



معاونت تبلیغات و ارتباطات اسلامی
اداره پاسخگویی به سوالات دینی

احکام ازدواج

دوره آموزشی کارشناسان پاسخگویی به سوالات شرعی

گروه علمی احکام اداره پاسخگویی به سوالات دینی

(سال ۱۳۹۸)

در این نسخه تنها نظر چهار تن از فقها آمده است و مطالب کم کاربردتر نیز حذف شده است؛
(غیر قابل انتشار))

فصل اول.....	۷
۱. اهمیت ازدواج.....	۷
۲. حکم شرعی ازدواج.....	۷
۳. خواستگاری و احکام مرتبط با آن.....	۸
۱.۳. حکم شرعی خواستگاری (خطبه).....	۸
۱.۱.۳. خواستگاری از زن شوهردار یا در عده.....	۸
۲.۳. جایگاه استخاره در ازدواج.....	۸
۳.۳. احکام نگاه در خواستگاری.....	۹
۴.۳. حکم دختر و پسر در دوران نامزدی (قبل از اجرای عقد).....	۱۰
۴. مستحبات و مکروهات عقد.....	۱۰
۵. مستحبات و مکروهات نزدیکی با همسر.....	۱۱
فصل دوم (شرایط عقد دائم).....	۱۲
۱. شرایط زوجین.....	۱۲
۱.۱. سن ازدواج- ازدواج زیر سیزده سال.....	۱۳
۲. اذن ولی در عقد.....	۱۳
۱.۲. کسانی که در عقد ولایت دارند (اولیای عقد).....	۱۳
۱.۱.۲. پدر و جد پدری (هرچه بالا رود).....	۱۴
۲.۱.۲. وصی.....	۱۴
۳.۱.۲. حاکم.....	۱۴
۲.۲. شرایط ولی.....	۱۵
۳.۲. بررسی کسانی که در ازدواج نیاز به اذن ولی دارند.....	۱۵
۱.۳.۲. دختر بالغه رشیده (معنای باکره و غیر باکره و...).....	۱۵
۱.۱.۳.۲. ممانعت ولی از ازدواج با هم کفو شرعی و عرفی.....	۱۷
۲.۱.۳.۲. غایب بودن ولی (در دسترس نبودن ولی).....	۱۷
۳.۱.۳.۲. ولی در امر ازدواج دختر مشارکت نکند.....	۱۸
۴.۱.۳.۲. اختلاف نظر مرجع تقلید زن و مرد در لزوم اذن ولی.....	۱۸
۲.۳.۲. دختر و پسر صغیر.....	۱۸
۳.۳.۲. ولایت بر مجنون (بالغ).....	۱۹
۴.۳.۲. ولایت بر سفیه.....	۱۹
۴.۲. کسانی که در ازدواج ولایت ندارند.....	۲۰
۳. شرایط صیغه عقد دائم و احکام مرتبط با آن.....	۲۰
۱.۳. لزوم خواندن صیغه (حکم عقد معاطاتی).....	۲۰

۲۱	۲.۳. عربی بودن
۲۱	۳.۳. ماضی بودن صیغه
۲۱	۴.۳. قصد انشاء
۲۲	۵.۳. قصد مضمون (دانستن معنای الفاظ عقد)
۲۲	۶.۳. تنجیز
۲۳	۷.۳. ایجاب و قبول (الفاظ، گوینده و جایگاه هر یک)
۲۴	۸.۳. رضایت زوجین (اختیار)
۲۴	۹.۳. تعیین زوجین
۲۴	۱۰.۳. شرایط مجری صیغه عقد (بلوغ-عقل-قصد)
۲۵	۱۱.۳. صیغه عقد به صورت غیر حضوری
۲۶	۱۲.۳. وکالت در اجرای صیغه عقد
۲۶	۱۳.۳. حکم عقد فضولی
۲۶	۱۴.۳. اجرای عقد توسط غیر شیعیه
۲۶	۱۵.۳. حکم اشتباه خواندن عقد
۲۷	۴. تعیین مهریه و احکام مرتبط با آن
۲۷	۱.۴. حکم تعیین مهریه در عقد دائم
۲۷	۲.۴. انواع مهریه (مُسمّی-مِثل-سُنّه-متعه)
۲۸	۱.۲.۴. ملاک تعیین مهر المثل
۲۸	۲.۲.۴. موارد وجوب مهر المثل در عقد دائم
۲۸	۳.۴. اگر عقد دائم بدون مهریه خوانده شود
۲۹	۴.۴. تعیین مهر بعد از عقد
۲۹	۵.۴. شرایط مهریه (در عقد دائم)
۲۹	۱.۵.۴. چیزهایی که می شود مهریه قرارداد
۳۰	۲.۵.۴. مالیت داشتن مهریه
۳۰	۳.۵.۴. مقدار مهریه
۳۰	۴.۵.۴. مبهم نبودن مهریه
۳۱	۵.۵.۴. قصد پرداخت مهریه
۳۱	۶.۵.۴. درخواست و پرداخت مهریه
۳۱	۷.۵.۴. محاسبه مهریه به نرخ روز (تورم-کاهش ارزش پول)
۳۲	۸.۵.۴. اگر زوج قبل از دخول زن را طلاق دهد-نصف شدن مهریه
۳۲	۹.۵.۴. حکم مهریه با فوت احد الزوجین (قبل از دخول)
۳۳	۱۰.۵.۴. بخشش مهریه-ابراء مهریه-برگشتن از بخشش یا ابراء
۳۳	۱۱.۵.۴. پول یا اشیائی که داماد جهت جهیزیه داده اند
۳۳	۱۲.۵.۴. شیربها
۳۴	۵. متن صیغه عقد دائم در حالت های مختلف

۱.۵. مهر- (صداق یا صداق).....	۳۵
فصل سوم (شروط ضمن عقد، فسخ عقد).....	۳۵
۱. شروط ضمن عقد و احکام مرتبط با آن.....	۳۵
۱.۱. شروطی که مخالف با مقتضای عقد هستند؛.....	۳۵
۲.۱. شروطی که مخالف شرع هستند (نه مخالف مقتضای عقد).....	۳۶
۳.۱. شروطی که مخالف شرع و مقتضای عقد نیستند (شروط جایز).....	۳۶
۴.۱. شروط مبنی علیها العقد.....	۳۶
شرط (عدم تزویج، حق سکنی، عدم دخول، وکالت در طلاق و...).....	۳۷
۲. فسخ عقد و احکام مرتبط با آن.....	۳۸
۱.۲. معنای فسخ عقد و چگونگی انجام آن.....	۳۸
۲.۲. عیوبی که موجب فسخ ازدواج می شود.....	۳۸
۱.۲.۲. عیوب زنان؛.....	۳۸
۲.۲.۲. عیوب مردان؛.....	۳۹
۳.۲.۲. عیوب متفرقه (عقیم بودن، جذام، پیسی، خوره، کوری).....	۴۱
۴.۲.۲. تدلیس و خیار فسخ (فریب-عدم بکارت و...).....	۴۲
۳.۲. احکام فسخ.....	۴۳
۱.۳.۲. عدم نیاز به طلاق.....	۴۳
۲.۳.۲. رجوع به حاکم جهت فسخ.....	۴۳
۳.۳.۲. رعایت شرایط طلاق برای فسخ.....	۴۳
۴.۳.۲. فوری بودن فسخ.....	۴۴
۳. حکم مهریه در فسخ (تدلیس و غیر آن).....	۴۴
فصل چهارم: حقوق زوجین (در عقد دائم).....	۴۵
۱. حقوق مرد در عقد دائم.....	۴۵
۱.۱. اذن گرفتن از شوهر برای خروج از خانه.....	۴۵
۱.۱.۱. شرط ضمن عقد جهت خروج از منزل.....	۴۵
۲.۱.۱. خروج بخاطر واجبات (حج، معاش، انتخابات، راهپیمایی و...).....	۴۵
۳.۱.۱. خروج از خانه برای درمان.....	۴۶
۴.۱.۱. خروج از خانه پدر در زمان عقد.....	۴۶
۵.۱.۱. لزوم اذن یا کفایت رضایت.....	۴۷
۲.۱. تمکین جنسی.....	۴۷
۱.۲.۱. نزدیکی از پشت.....	۴۷
۲.۲.۱. مواردی که زن نسبت به تمکین عذر شرعی دارد.....	۴۸
۳.۲.۱. تمکین در دوران عقد.....	۴۸

۳.۱. اطاعت از شوهر (در غیر از: اذن خروج - و - تمکین جنسی)	۴۹
۲. حقوق زن در عقد دائم	۴۹
۱.۲. نفقه	۴۹
۱.۱.۲. موارد نفقه	۵۰
۲.۱.۲. مخارج درمان	۵۰
۳.۱.۲. شرایط وجوب نفقه همسر	۵۰
۴.۱.۲. نفقه دوران عقد	۵۱
۵.۱.۲. ترتیب وجوب نفقه (خود مرد، زن، نزدیکان مرد)	۵۱
۲.۲. مواقع	۵۱
۳.۲. حق عدم متارکه و حق قسم (همخواهی)	۵۲
۴.۲. مهریه	۵۲
۵.۲. حق حبس (امتناع از تمکین تا گرفتن مهریه)	۵۲
۳. نشوز مرد و زن و احکام مرتبط با آن	۵۳
۱.۳. مرد ناشزه	۵۳
۱.۱.۳. اگر شوهر نفقه زن را ندهد تکلیف چیست؟	۵۴
۲.۳. زن ناشزه	۵۴
۱.۲.۳. حکم حقوق ناشزه (نفقه، همخواهی، مهر و...)	۵۵
فصل پنجم: ازدواج موقت و شرایط آن	۵۵
۱. شرایط زوجین و اذن ولی در عقد موقت	۵۵
۲. مدت و مهریه در عقد موقت	۵۵
۱.۲. حکم عقد موقت بدون تعیین مدت یا مهریه	۵۵
۲.۲. میزان مدت (حداقل - حد اکثر)	۵۶
عقد کردن یک ساعته نابالغ برای محرمیت	۵۶
۳.۲. عقد ۹۹ ساله	۵۷
۴.۲. مبهم یا مجهول بودن مدت (نحوه تعیین مدت)	۵۷
۵.۲. مهریه در عقد موقت (نوعش، مجهول نبودن، مالی داشتن)	۵۸
۶.۲. مهریه عقد موقت با اتمام مدت بدون دخول یا بخشش مدت	۵۹
۷.۲. مهریه با عدم تمکین زن در نکاح موقت	۶۰
۳. نحوه خواندن صیغه عقد موقت	۶۰
۴. حقوق مرد و زن در عقد موقت	۶۱
۱.۴. خروج زن از خانه بدون اذن شوهر در عقد موقت	۶۱
۲.۴. حق زن نسبت به مواقع در عقد موقت	۶۱
۳.۴. حق زن نسبت به نفقه در عقد موقت	۶۱

- ۴.۴. حق حبس (ممانعت از تمکین تا گرفتن مهر) در عقد موقت ۶۲
- ۵.۴. حق قسم (همخواهی) و ارث در عقد موقت ۶۲
- ۶.۴. شرط عدم نزدیکی در عقد موقت ۶۲

فصل اول

۱. اهمیت ازدواج

ازدواج یکی از مستحبات مورد تأکید اسلام است و روایات بسیاری در تشویق مردم بر آن و سرزنش بر ترک آن وارد شده است، از امام باقر علیه السلام می فرمایند: "رسول خدا (ص) فرمودند: "هیچ بنائی در اسلام پی ریزی نشده که نزد خدای تعالی محبوبتر از ازدواج باشد.^۱

شماری از آثار و برکات و فواید ازدواج در روایات از این قرار می باشد: ۱- احیای سنت؛ ۲- احراز و کسب نصف دین؛ ۳- ساخت بهترین بنا در اسلام؛ ۴- کسب ثواب بیشتر در عبادات؛ ۵- زیادی روزی؛ ۶- کنترل شهوت؛ ۷- زیادی نسل؛ ۸- زیاد شدن مسلمان (حضرت امام و آیات عظام: مکارم، سیستانی)^۲

۲. حکم شرعی ازدواج

الف: حکم ازدواج با نظر به نفس آن (به خودی خود)

ازدواج به خودی خود مستحب است، حتی از بعضی روایات استفاده می شود که مجرد بودن کراهت دارد. (حضرت امام و آیه الله مکارم)^۳

ازدواج به خودی خود مستحب موکد است، و روایات بسیاری در تشویق به آن و مذمت ترک آن وارد شده است. (آیه الله سیستانی)^۴

ب: حکم نکاح با توجه به جوانب و عوارض دیگر

ازدواج واجب؛ کسی که بواسطه نداشتن زن به حرام می افتد، واجب است زن بگیرد. (حضرت امام، آیات عظام سیستانی و مکارم)^۵

نکته: در کلام فقها مواردی دیگر بر وجوب ازدواج آمده: مثل ازدواج به سبب نذر یا عهد یا قسم و... یا مصادیقی برای ازدواج حرام یا مستحب و مکروه نیز بیان شده است.^۱

^۱ تحریر الوسیله، حضرت امام خمینی، ج ۲، صفحه ۲۳۶، کتاب النکاح

^۲ - سید روح الله موسوی خمینی تحریر الوسیله، ج ۲، ص: ۲۳۶ کتاب النکاح سید محمد کاظم طباطبایی یزدی، العروة الوثقی ج ۲ کتاب النکاح، فصل النکاح، سید علی

حسینی سیستانی منهج الصالحین (للسیستانی)، ج ۳، کتاب النکاح

^۳ یزدی، سید محمد کاظم طباطبایی، العروة الوثقی مع التعليقات، ج ۲، کتاب النکاح، النکاح و آدابه و مساله ۱: منهج الصالحین (للسیستانی)، ج ۳، ص: ۵ کتاب النکاح

^۴ . منهج الصالحین (للسیستانی)، ج ۳، ص: ۵ کتاب النکاح

^۵ رساله مراجع، جلد ۲، مساله ۲۴۴۳ و نظر آیت الله مکارم قبل از مساله ۲۳۶۳

۳. خواستگاری و احکام مرتبط با آن

۳.۱. حکم شرعی خواستگاری (خطبه)

خواستگاری مستحب است. (حضرت امام و آیه الله مکارم)^۲

۳.۱.۱. خواستگاری از زن شوهردار یا در عده

خواستگاری از زنی که در عقد دائم یا موقت دیگری است مطلقاً (چه به تصریح و چه به کنایه و...) حرام است و خواستگاری زنی که در عده غیر است تصریحاً حرام است هر چند در عده غیر رجعی به طور تعریض و اشاره جایز است و در عده رجعی به طور تعریض هم جایز نیست و در این حکم فرقی بین دائم و موقت نیست. (امام خامنه ای)^۳

خواستگاری از زن شوهردار (حتی در عقد موقت) جایز نیست، خواستگاری به کنایه در عده وفات مانعی ندارد ولی به صورت صریح اشکال دارد. (آیه الله مکارم)^۴

خواستگاری به صورت صریح و یا با کنایه از زن شوهردار و زنی که در عده رجعی است جایز نیست (با ترس از اینکه سبب نشوز زن از شوهرش شود بلکه بنابر احتیاط واجب مطلقاً حرام است) ولی نسبت به زنی که در عده بائن است (چه عده وفات و چه غیر آن) کسی که مانعی جز همین عده برای ازدواج با او ندارد با کنایه و یا به تصریح می تواند از او خواستگاری کند. (آیه الله سیستانی)^۵

۳.۲. جایگاه استخاره در ازدواج

به طور کلی استخاره برای رفع حیرت و تردید در انجام کارهای مباح است، اعم از اینکه تردید در اصل عمل باشد یا در چگونگی انجام آن. بنابر این در کارهای خیر که در آنها حیرت وجود ندارد، استخاره لازم نیست و همچنین استخاره برای آگاهی

۱. رجوع شود به: یزدی، سید محمد کاظم طباطبائی، العروة الوثقی مع التعليقات، ج ۲، کتاب النکاح، مساله ۴

۲ - سید محمد کاظم طباطبائی یزدی، العروة الوثقی ج ۲ کتاب النکاح فضل النکاح و آدابہ، م ۵ (خطبه در اینجا با کسر خاء خوانده می شود و غیر از خطبه قبل از خواندن عقد است که به ضم خاء می باشد).

۳. شماره استفتاء: ۹۱۴۳۶۱ تاریخ استفتاء: ۱۵/۰۷/۱۳۹۷؛ شماره استفتاء: ۸۹۶۰۳۱ تاریخ استفتاء: ۰۶/۰۵/۱۳۹۷

۴. <https://makarem.ir/main.aspx?typeinfo=۲۱&lid=۰&catid=۵۴۴&mid=۲۵۶۸۴۷>

۵. <https://makarem.ir/main.aspx?typeinfo=۲۱&lid=۰&catid=۴۵۰۸۲&mid=۲۵۶۸۵۱>

۵. منهاج الصالحین (للسیستانی)، ج ۳، ص: ۱۹۹م

از آینده شخص یا عمل نمی باشد، توجه داشته باشید الزام شرعی در عمل به استخاره وجود ندارد ولی بهتر است بر خلاف آن عمل نشود. (امام خامنه ای)^۱

استخاره نوعی مشورت با خداوند است بدین معنی که اگر انسان در انجام یا ترک کاری مردد شود ابتدا در اطراف آن و آثار و لوازم و توابعش فکر و اندیشه می کند اگر به نتیجه ای رسید طبق آن عمل می کند وگرنه با افراد کاردان و با تجربه و آگاه در مورد آن مشورت می کند اگر به نتیجه رسید طبق آن عمل می کند در غیر این صورت با خداوند از طریق استخاره مشورت می کند و مطابق آن عمل می کند. البته عمل به استخاره واجب نیست ولی خوب است بی جهت با آن مخالفت نگردد مگر این که مدت زمانی بگذرد که در این صورت مخالفت با آن پس از پرداخت صدقه ای بی مانع است. (آیه الله مکارم)^۲

۱.۳.۳ احکام نگاه در خواستگاری

در مراسم خواستگاری، مرد چه مقدار می تواند به زن نگاه کند؟^۳

کسی که می خواهد با زنی ازدواج نماید جایز است که به او نگاه کند، به شرطی که به قصد لذت بردن نباشد (اگر چه می داند که به جهت نگاه کردن به او، قهرا لذت پیدا می شود) و به شرطی که احتمال بدهد که با نگاه کردن به او، بصیرت زیاده تری پیدا می کند. و به شرطی که ازدواج آن زن بالفعل جایز باشد - نه آنکه مثل زن شوهردار و صاحب عده باشد - و به شرطی که احتمال پیدا شدن توافق بر ازدواج را بدهد - نه آنکه بداند که آن زن خواستگاری او را رد می کند - و احتیاط مستحب آن است که به صورت و دو کف دست و مو و محاسن او اکتفاء نماید اگر چه نگاه به بقیه بدن - غیر از عورت - جایز است و احتیاط مستحب آن است که از پشت لباس نازک باشد. (حضرت امام)

کسی که می خواهد با زنی ازدواج نماید برای اطلاع و آگاهی از او می تواند به صورت، دست، مو و محاسن او بدون قصد لذت نگاه کند - اگر چه قهرا لذت حاصل شود - مشروط بر اینکه اولاً اطلاع و آگاهی قبلی نداشته باشد و ثانیاً علم نداشته باشد که به او جواب رد می دهند. (امام خامنه ای)

چنانچه مرد، رسماً به خواستگار ی رود و صحبت های مقدماتی انجام شود و قصد ازدواج، قطعی باشد، زن می تواند با هماهنگی خانواده، به مقدار لازم، بدون حجاب (یعنی نمایان بودن سر و صورت، گردن، مقداری از دست و بازو و مقداری از پاها) در برابر خواستگار، ظاهر شود. (البته اگر ممکن باشد، این کار را کسانی مانند مادر و خواهر مرد یا زنان دیگر انجام دهند)، به شرطی که به قصد لذت بردن نباشد (اگر چه می داند که به جهت نگاه کردن به او، قهرا لذت پیدا می شود) و به شرطی که

۱. سیستم مدیریت سایت مقام معظم رهبری، استفتاءات، شماره استفتاء: ۸۶۲۵۳۲

۲. آیه الله مکارم، سایت، استفتاءات، عمل به استخاره در صورت جواب منفی شدن

۳. امام خمینی، تحریر الوسیله، ج ۳، کتاب النکاح، م ۲۸؛ السید محمد کاظم الطباطبائی الیزدی، العروه الوثقی، ج ۲، کتاب النکاح، النکاح و آداب، تعلیقه بر مسئله ۲۶؛

السید علی الحسینی السیستانی، منهاج الصالحین، ج ۳، فی استحباب النکاح و آداب، م ۲۸؛ شماره استفتاء: ۸۶۶۷۳۲ تاریخ استفتاء: ۲۲/۰۲/۱۳۹۷

<https://makarem.ir/main.aspx?typeinfo=۲۱&lid=۰&catid=۴۳۲&mid=۲۶۳۲۷۶>

احتمال بدهد که با نگاه کردن به او، بصیرت زیادتری پیدا می‌کند. و به شرطی که احتمال پیدا شدن توافق بر ازدواج را بدهد- نه آنکه بداند که آن زن خواستگاری او را رد می‌کند. (آیه الله مکارم)

کسی که می‌خواهد با زنی ازدواج نماید جایز است به محاسن او (مانند: صورت، موها، گردن، دو کف دست، میج‌ها و ساق‌ها و مانند آن) نگاه کند، و رضایت زن در این زمینه شرط نیست، البته به این شرط که به قصد لذت شهوانی نباشد (اگر چه می‌داند که به جهت نگاه کردن به او، قهراً لذت پیدا می‌شود) و ترس از افتادن در حرام را نداشته باشد و مانعی از ازدواج مثل شوهر دار بودن یا در عده بودن زن نباشد و از قبل وضعیت زن را نداند و احتمال ازدواج با او را بدهد و گرنه نگاه جایز نیست. (آیه الله سیستانی)

۴.۳. حکم دختر و پسر در دوران نامزدی (قبل از اجرای عقد)

تا وقتی که عقد ازدواج بین دختر و پسر اجرا نشده با هم نامحرم هستند، و باید احکام نامحرم را مراعات کنند و به طور کلی هر گونه ارتباط با نامحرم که مستلزم مفسده بوده و یا خوف ارتکاب گناه در میان باشد، جایز نیست. (امام خامنه ای)^۱

۴. مستحبات و مکروهات عقد

الف: مستحبات عقد^۲

شاهد گرفتن در عقد ازدواج.

خواندن خطبه قبل از عقد که مشتمل بر حمد و شهادتین و صلوات و توصیه به تقوی و دعا نمودن برای زوجین باشد. وقوع عقد در شب.

ولیمه دادن یک روز یا دو روز، و بیشتر از آن مکروه است.

ب) مکروهات عقد^۳

وقوع عقد در زمانی که قمر در عقرب باشد.

وقوع عقد در روز چهارشنبه.

^۱ . شماره استفتاء: ۹۲۹۴۷۶ تاریخ استفتاء: ۱۴/۰۹/۱۳۹۷

^۲ تحریر الوسيله، حضرت امام خمینی، ج ۲، کتاب النکاح، مساله ۵، یزدی، سید محمد کاظم طباطبایی، العروة الوثقی مع التعليقات، ج ۲، کتاب النکاح، مساله ۵، سیستانی، سید علی حسینی، منهاج الصالحین (للسیستانی)، جلد ۳، مساله ۳

^۳ تحریر الوسيله، حضرت امام خمینی، ج ۲، کتاب النکاح، مساله ۵، یزدی، سید محمد کاظم طباطبایی، العروة الوثقی مع التعليقات، دو جلد، انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام، قم - ایران، اول، ۱۴۲۸ هـ ق، ج ۲، کتاب النکاح، مساله ۶، سیستانی، سید علی حسینی، منهاج الصالحین (للسیستانی)، جلد ۳، مساله ۳

وقوع عقد در یکی از ایام نحس (سوم - پنجم - سیزدهم - شانزدهم - بیست و یکم، بیست و چهارم و بیست و پنجم هر ماه).

وقوع عقد در مُحاق، یعنی دو شب یا سه شب آخر هر ماه.

۵. مستحبات و مکروهات نزدیکی با همسر

الف) مستحبات نزدیکی^۱

با وضو بودن.

استعاذه گفتن

و بسم الله الرحمن الرحيم گفتن.

طلب ولد صالح و سالم نمودن (با دعاهاى مأثوره).

در مکان پنهان باشد.

بهتر است جماع در شب دوشنبه، سه شنبه، پنج شنبه و جمعه و هنگام زوال روز پنج شنبه و بعد از عصر روز جمعه باشد.

هنگام تمایل زوجه صورت گیرد.

با همسر قبل از آمیزش ملاعبه صورت گیرد.

ب) مکروهات زفاف و جماع^۲

زمان های مکروه

مکروه است که شب زفاف و ورود به همسر در شب چهارشنبه باشد.

در شبی که ماه گرفتگی رخ داده است.

روزی که کسوف صورت گرفته (خورشید گرفته است).

شب و روزی که در آن نشانه مخوفی مثل بادهای سیاه، زرد و قرمز اتفاق افتاده است.

زمانی که زلزله رخ داده است.

هنگام زوال، غیر از پنجشنبه. (ظهر شرعی).

از غروب خورشید تا رفتن شفق (هنگام مغرب).

هنگام مُحاق. (دوشب یا سه شب آخر ماه).

^۱ تحریر الوسیله، حضرت امام خمینی، ج ۲، کتاب النکاح، مساله ۸، یزدی، سید محمد کاظم طباطبایی، العروة الوثقی مع التعليقات، ج ۲، کتاب النکاح، مساله ۸ و ۱۰ و ۱۱ و ۱۸، سیستانی، سید علی حسینی، منهاج الصالحین (للسیستانی)، جلد ۳، مساله ۵

^۲ تحریر الوسیله، حضرت امام خمینی، ج ۲، کتاب النکاح، مساله ۸، یزدی، سید محمد کاظم طباطبایی، العروة الوثقی مع التعليقات، ج ۲، کتاب النکاح، مساله ۸ و ۱۰ و ۱۱ و ۱۸، سیستانی، سید علی حسینی، منهاج الصالحین (للسیستانی)، جلد ۳، مساله ۵

بین الطلوعین. (از اذان صبح تا طلوع خورشید).

شب اول هر ماه به غیر از شب اول ماه رمضان.

شب نیمه هر ماه.

در سفر در صورتی که آب برای غسل نداشته باشد.

بین اذان و اقامه.

شب عید قربان.

نکته: شب عید فطر نیز به خاطر اینکه اول ماه شوال است کراهت دارد.

مکان های مکروه: در کشتی-رو به قبله و پشت به قبله. -در مسیر راه. -زیر درخت میوه دار. -روی پشت بام (زیر

آسمان).

حالت های مکروه: رو به قبله و پشت به قبله. -در حال برهنگی- در حالی که حنا بسته اند. -با شکم پر-در حال

ایستاده.

نزدیکی بعد از احتلام [یعنی جنابت در خواب] قبل از غسل، مکروه است. البته چند دفعه جماع کردن- بدون آنکه غسلی

بین آنها انجام دهد- اشکالی ندارد پس غسلش را آخر همه انجام می دهد ولی شستن عورت و وضو گرفتن در هر مرتبه،

مستحب است.

در برابر خورشید مگر اینکه پرده آویخته باشد.

در مقابل دید دیگران حتی اگر دختر بچه و یا پسر بچه باشد البته در صورتی که مستلزم حرام نباشد و گرنه حرام است.

نگاه کردن به فرج زن در حال جماع.

حرف زدن در حال جماع اگر به غیر از ذکر خدا باشد.

انگشتی با او باشد که بر آن ذکر خدا یا مقدار از قرآن باشد.

فصل دوم (شرایط عقد دائم)

۱. شرایط زوجین

هریک از مرد و زن جهت صحت ازدواج باید شرایطی داشته باشند که در بحث ازدواج های حرام به صورت کامل

مفصل بیان شده است (مثل اینکه زن: شوهر نداشته باشد، در عده نباشد، از محارم نسبی یا رضایی یا مصاهره ای مرد نباشد، به

جهت عارضی مثل لواط، زنا و... بر مرد حرام نشده باشد، کافر نباشد و...) لذا جهت احراز این شرایط به متن ازدواج های حرام

مراجعه شود.

۱.۱. سن ازدواج - ازدواج زیر سیزده سال

حکم تعجیل در ازدواج دختر:^۱

مستحب است در شوهر دادن دختری که بالغه است؛ یعنی مکلف شده عجله کنند. حضرت صادق علیه السلام فرمودند: یکی از سعادتهای مرد آن است که دخترش در خانه او حیض نبیند. (حضرت امام)

مستحب است در شوهر دادن دختری که بالغه است؛ یعنی مکلف شده عجله کنند البته گاهی در این موضوع بنا به جهاتی عجله نکردن در تزویج دختران در برخی از سنین ترجیح دارد لذا باید در وقت تعارض دید که کدامیک رجحان بیشتری دارد و همان را انجام داد [نکته: آیه الله مکارم ازدواج دختران در سنین پایین را اجازه نمی دهند و در موارد خاص لازم است از وکلای ایشان کسب اجازه شود]. (آیه الله مکارم)

حکم ازدواج دختر زیر سیزده سال

آیا ازدواج در سن زیر ۱۳ سال حرام است؟ پاسخ: در گذشته این اجازه به اولیاء داده می شد که حتی برای صغیر همسری انتخاب کنند و معمولاً مشکلی ایجاد نمی شد ولی در عصر و زمان ما عملاً ثابت شده است که این ازدواج ها به مصلحت دخترها و پسرها نیست و دارای مفاسدی است و با توجه به اینکه غبطه و مصلحت باید رعایت شود این گونه ازدواج ها باطل است و اعتباری ندارد. نسبت به آنچه در گذشته انجام شده اگر در آن زمان واقعا مفسده ای نداشته و غبطه صغیر رعایت شده محکوم به صحت است. (آیت الله مکارم)^۲

[نکته: آیه الله مکارم ازدواج دختران در سنین پایین را اجازه نمی دهند و در موارد خاص لازم است از وکلای ایشان کسب اجازه شود].

۲. اذن ولی در عقد

۱.۲. کسانی که در عقد ولایت دارند (اولیای عقد)

اولیاء عقد چه کسانی هستند؟^۳

۱- پدر ۲- جد پدری و هرچه بالا رود. ۳- حاکم در بعضی موارد ۴- وصی آنها در مواردی (هر مورد تفصیلاتی دارد که در محلش بیان می شود).

۱ یزدی، سید محمد کاظم طباطبایی، العروة الوثقی مع التعليقات، دو جلد، انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام، قم - ایران، اول، ۱۴۲۸ هـ ق، ج ۲، کتاب النکاح، مساله ۱۴، رساله مراجع، جلد ۲، ذیل مساله ۲۴۵۹

<https://makarem.ir/main.aspx?typeinfo=۲۱&lid=۰&catid=۵۱۵&mid=۲۵۸۳۸۹۲>

۳ - سید محمد کاظم طباطبایی یزدی، العروة الوثقی، ج ۲ فصل فی اولیاء العقد؛ سید علی حسینی سیستانی منهاج لصالحین ج ۳ فصل فی اولیاء العقد م ۵۷ و ۶۳

۱.۱.۲. پدر و جد پدری (هرچه بالا رود)

نکته: ولایت دختر و پسر در هر جایی که نیاز به اذن ولی داشته باشند با پدر و جد پدری است و با بودن آنها نوبت به دیگری نمی رسد و نیازی به اذن دیگری نیست و ولایت دیگر اولیا در زمانی مطرح می شود که امکان اذن از پدر یا جد پدری نباشد یا این دو اهلیت اذن دادن را نداشته باشند (مثل اینکه کافر، دیوانه و... باشند که در بخش شرایط ولی مطرح می شود) ولایت پدر و جد پدری در ازدواج دختر چگونه است؟^۱

پاسخ: ولایت هر کدام مستقل است، لذا هر کدام زودتر اجازه دهد نوبت به دیگری نمی رسد و اگر اجازه هر دو همزمان بود، اجازه جد مقدم است. (حضرت امام و آیات عظام سیستانی و مکارم)

۲.۱.۲. وصی

نکته: در مورد بحث منظور از وصی کسی است که از طرف پدر یا جد پدری قیّم (سرپرست) بچه صغیر شده است و به صراحت و یا در ضمن مطلبی مطلق امر ازدواج صغیر به او واگذار شده است. آیا وصی بر ازدواج فرزندان صغیر موصی ولایت دارد؟^۲

بنابر احتیاط واجب وصی ولایت در ازدواج دختر یا پسر صغیر را ندارد لذا در صورت ضرورت احتیاط این است که وصی با حاکم شرع در این زمینه توافق کنند. (حضرت امام و آیت الله سیستانی)

اگر مصلحت لازمی باشد می تواند ولی این چنین مصلحتی در زمان ما غالباً نیست [نکته: در اینگونه موارد لازم است مقلدان ایشان از وکلای ایشان کسب اجازه کنند]. (آیت الله مکارم)

۳.۱.۲. حاکم

آیا حاکم بر صغیر و صغیره ای که پدر و جد و وصی ندارد ولایت دارد؟^۳

حاکم در نکاح بر صغیر - پسر باشد یا دختر - با نبود پدر و جد ولایت ندارد و اگر حاجت و ضرورت و مصلحتی که رعایتش لازم است ازدواج را اقتضا کند به طوری که بر ترک آن مفسده ای مترتب شود که باید از آن اجتناب نمود حاکم اقدام به تزویج او می کند (سیستانی: می کند از باب امور حسبیه با رعایت حدود آن و اکتفا به مقدار ضرورت) و احتیاط ترک نشود به ضمیمه نمودن اجازه وصی پدر یا جد در صورتی که وجود داشته باشد. (حضرت امام و آیه الله سیستانی).

^۱ یزدی، سید محمد کاظم طباطبایی، العروة الوثقی مع التعليقات، کتاب النکاح، فصل فی اولیاء العقد، مساله ۹، منهاج الصالحین، آیت الله سیستانی، جلد ۳، مساله ۵۸

^۲ - سید محمد کاظم طباطبایی یزدی، العروة الوثقی، ج ۲ فصل فی اولیاء م ۱۲، سید علی حسینی سیستانی منهاج الصالحین، ج ۳، ص: ۶۳م ۶۳

^۳ یزدی، سید محمد کاظم طباطبایی، العروة الوثقی مع التعليقات، ج ۲، کتاب النکاح، فصل فی اولیاء العقد، ذیل مساله ۱۳: تحریر الوسیله، کتاب النکاح، اولیاء عقد، م ۱۱: منهاج

الصالحین، آیت الله سیستانی، جلد ۳، مساله ۶۴

اگر ضرورت لازمی که مربوط به زندگی صغیر هست و جز با ازدواج حاصل نمی شود اقتضا کند با نبود ولی حاکم ولایت بر ازدواج دارد وگرنه ولایتی ندارد. (آیه الله مکارم)

۲.۲. شرایط ولی

برای اینکه اولیاء دارای ولایت باشند چه شرایطی لازم است؟^۱

۱- ولی باید عاقل باشد پس کسی که دیوانه است بر دیگری ولایت ندارد. ۲- کافر بر مسلمان ولایت ندارد، پس پدری که کافر است بر پسر مسلمانش ولایت ندارد؛ و ولایت مال جدش است اگر جد مسلمان است اما کافر بر فرزند کافرش ولایت دارد (امام، سیستانی: در صورتی که جد مسلمان نداشته باشد وگرنه جد ولایت دارد) (مکارم: حتی با وجود جد مسلمان). ۳- اگر یکی از پدر یا جد پدری شرایط ولایت را از دست بدهند ولایت با دیگری است. (حضرت امام و آیات عظام سیستانی و مکارم) ۴- ولی باید بالغ باشد پس صغیر و صغیره بر کسی ولایت ندارند. (حضرت امام و آیه الله مکارم)

۳.۲. بررسی کسانی که در ازدواج نیاز به اذن ولی دارند

چه کسانی در ازدواج نیاز به اذن ولی دارند؟

۱.۳.۲. دختر بالغه رشیده^۲ (معنای باکره و غیر باکره و...)

زنی که که بکارتش به غیر دخول مثل ورزش و مانند آن زایل شود و زنی که شوهرش قبل از دخول بمیرد یا او را طلاق دهد حکم باکره را دارد و زنی که بکارتش با شوهر کردن از بین برود اجازه پدر و جد پدری را لازم ندارد اما زنی که بکارتش با زنا یا وطی به شبهه زایل شود اگرچه حکم باکره را ندارد ولی احتیاطاً مستحب اذن گرفتن از ولی است، ازدواج دختر باکره‌ای که بدون اذن ولی انجام گرفته است باطل است، مگر این که - بعد از عقد - پدر آن را اجازه نماید و فرقی بین عقد دائم و عقد موقت نیست. (حضرت امام)^۳

دختری که پرده بکارت او در اثر آمیزش و نزدیکی از بین رفته است، حکم باکره ندارد، و در صورتی که به واسطه ازدواج بکارت زائل شده، اجازه از پدر یا جد پدری لازم نیست و در صورتی که بکارتش به واسطه وطی به شبهه یا زنا از بین رفته باشد

۱ - سید محمد کاظم طباطبایی یزدی، العروة الوثقی، ج ۲ کتاب النکاح، فصل فی اولیاء م ۱۶؛ سید روح الله خمینی تحریر الوسیله ج ۲ کتاب النکاح، فصل فی اولیاء العقد م ۱۲

سید علی سیستانی منهاج الصالحین ج ۳ م ۷۲

۲ . منظور از رشیده بودن دختر چیست؟ رشیده است، یعنی مصلحت خود را تشخیص می‌دهد. و مراد از رشد در امر ازدواج و خصوصیات آن است در تعیین زوج و مقدار مهر و مانند اینها.

۳ رساله مراجع، جلد ۲، مساله ۲۳۷۷؛ یزدی، سید محمد کاظم طباطبایی، العروة الوثقی مع التعليقات، ج ۲، کتاب النکاح، فصل فی اولیاء العقد، ذیل مساله ۲: استفتاءات (امام خمینی)، ج ۳، ص: ۱۵۹، س ۴: استفتاءات (امام خمینی)، ج ۳، ص: ۱۶۱، س ۷

احتیاط مستحب در اجازه ترک نشود ولی اگر بکارتش به غیر ازدواج یا زنا یا وطی به شبهه از بین رفته باشد (مثلا با ورزش، تصادف و...) حکم باکره را دارد همچنین دختری که فقط از پشت با او دخول شده حکم باکره را دارد، و ازدواج دختر باکره بدون اذن ولی دختر بنابر احتیاط واجب باطل است و اگر بدون اذن پدر ازدواج صورت گیرد، احتیاط واجب آن است که یا از پدر اجازه گرفته شود؛ و یا این که اگر ازدواج موقت بوده پسر بقیه مدت را ببخشد، و از یکدیگر جدا شوند [و اگر ازدواج دائم است بنابر احتیاط واجب جهت جدایی نیاز به طلاق است]، و در موارد مذکور فرقی بین عقد دائم و موقت نیست. (امام خامنه ای)^۱

منظور از باکره در بحث اذن ولی در ازدواج کسی است که شوهرش با او دخول نکرده باشد لذا زنی که شوهرش قبل از دخول بمیرد یا او را قبل از دخول طلاق دهد باکره است همچنین زنی که بکارتش به غیر دخول مثل ورزش و مانند آن از بین برود باکره است و زنی که بکارتش با زنا و وطی به شبهه از بین برود نیز به منزله باکره است ولی زنی که شوهرش با او دخول کرده باشد غیر باکره است اگرچه عضو مخصوص صدمه ندیده باشد؛ دختری که به حد بلوغ رسیده و رشیده است، یعنی مصلحت خود را تشخیص میدهد، اگر بخواهد شوهر کند، چنانچه باکره باشد و متصدی امور زندگانی خویش نباشد، باید از پدر، یا جد پدری خود اجازه بگیرد، بلکه - بنا بر احتیاط واجب - اگر خود متصدی امور زندگانی خویش باشد نیز باید اجازه بگیرد، و اگر دختری بدون اذن ولی عقد شده است، در غیر مستقل باطل است و در مستقل احتیاط بالا رعایت شود. (آیت الله سیستانی)^۲

منظور از غیر باکره دختری است که یک بار با اذن ولی ازدواج کرده باشد هر چند قبل از دخول طلاق گرفته باشد، و تنها دخترانی که یک بار با اذن پدر ازدواج کرده اند و به هر علتی از شوهرانشان جدا شده اند برای ازدواج مجدد نیاز به اذن پدر ندارند [لذا دخترانی که ازدواج نکرده اند ولی بکارتشان با زنا، وطی به شبهه، ورزش و... از بین رفته حکم باکره را دارند و نیاز به اجازه ولی دارند] البته دختری که سن او بیش از سی سال است به شرط این که فرد هوشیاری باشد و بتواند تصمیم بگیرد و مصلحت خود را تشخیص دهد می تواند بدون اذن پدر ازدواج کند و منظور سی سال عرفی است و بستگی به تشخیص مصلحت توسط دختر دارد و دختری که بی اذن پدر عقد موقت بسته، در صورت امکان به شکلی رضایت پدر را جلب کند، در غیر این صورت عقد آنها باطل است، و احتیاط آن است که پسر باقیمانده مدت را ببخشد، و از همدیگر جدا شوند و اگر عقد دائم بوده او را طلاق دهد. (مگر اینکه پدر بعد از عقد، این ازدواج را اجازه کند). (آیت الله مکارم)^۳

^۱ . شماره استفتاء: ۹۲۴۲۲۲ تاریخ استفتاء: ۲۵/۰۸/۱۳۹۷؛ شماره استفتاء: ۹۱۳۳۵۹ تاریخ استفتاء: ۱۱/۰۷/۱۳۹۷؛ شماره استفتاء: ۹۴۹۴۹۸ تاریخ استفتاء: ۲۳/۱۱/۱۳۹۷؛ شماره استفتاء: ۹۶۱۰۰۳ تاریخ استفتاء: ۰۳/۰۱/۱۳۹۸؛ شماره استفتاء: ۹۵۷۶۲۴ تاریخ استفتاء: ۱۹/۱۲/۱۳۹۷

^۲ رساله آیت الله سیستانی، مساله ۲۳۹۵؛ منهاج الصالحین (للسیستانی)، ج ۳، ص: ۷۰م ۲۹

^۳ مکارم شیرازی، سایت، استفتاءات، ازدواج و طلاق، ازدواج و زناشویی، اذن پدر برای ازدواج، اذن پدر برای دختران سی سال به بالا؛ و آیه الله مکارم، استفتاء شخصی از سایت، کد رهگیری: ۹۸۰۱۲۶۰۱۳۹

ناصر مکارم شیرازی، سایت، استفتاءات، ازدواج و طلاق، ازدواج و زناشویی، اذن پدر برای ازدواج، اذن پدر برای دختری که بکارتش از راه غیر ازدواج زائل شده؛

<https://makarem.ir/main.aspx?typeinfo=۲۱&lid=۰&catid=۹۷۰&mid=۲۶۳۷۴۹>

<https://makarem.ir/main.aspx?typeinfo=۲۱&lid=۰&catid=۹۷۰&mid=۲۶۳۷۵۰>

نکته: در مسئله چند قول وجود دارد: ۱- دختر مستقل است و ولی ولایت ندارد ۲- ولی مستقل است و دختر اختیاری ندارد ۳- ولی و دختر در اذن شریک هستند و اذن هر دو لازم است ۴- در عقد دائم لازم است در موقت لازم نیست ۵- عکس آن.^۱

۱.۱.۳.۲. ممانعت ولی از ازدواج با هم کفو شرعی و عرفی

اگر پدر و جد پدری دختر بالغه رشیده را از تزویج به کسی که شرعاً و عرفاً کفو و مثل او می باشد و او هم میل دارد جلوگیری کنند اعتبار اذن آنها بدون اشکال ساقط می شود، اگر با ردّ خواستگار مورد پسند دختر کفو شرعی و عرفی دیگری برای دختر پیدا می شود، و تأخیر ازدواج دختر تا پیدا شدن کفوی که مورد پسند پدر هم باشد مفسده ندارد، اجازه پدر شرط است. (حضرت امام)^۲

در صورتی که دختر نیاز به ازدواج دارد و خواستگار هم کفو شرعی و عرفی او موجود می باشد و در حال حاضر، خواستگار دیگری که واجد شرایط بوده و ولی دختر به آن اذن دهد وجود ندارد، در این صورت اذن ولی ساقط است. (امام خامنه ای)^۳

چنانچه به تصدیق بزرگترهای فامیل خواستگار کفو و متناسب دختر باشد، و پدر دختر بدون دلیل معقول مخالفت کند، اذن او ساقط است، و آنها می توانند با هم ازدواج کنند. هر چند شایسته است در صورت امکان رضایت پدر دختر جلب شود. (آیت الله مکارم)^۴

اگر پدر یا جد پدری اجازه ندهند، که دختر با مردی که همتای او شرعاً و عرفاً می باشد ازدواج [دائم] کند اجازه پدر و جد پدری لازم نیست، [ولی در مورد عقد موقت در این حالت] بنابر احتیاط واجب اذن ساقط نمی شود. (آیه الله سیستانی)^۵

۲.۱.۳.۲. غایب بودن ولی (در دسترس نبودن ولی)

اگر ولی غایب باشد تکلیف چیست؟^۶

اگر پدر و جد پدری غایب باشند، به طوری که نشود از آنان اذن گرفت و دختر هم احتیاج به شوهر کردن داشته باشد لازم نیست از پدر و جد پدری اجازه بگیرد. (حضرت امام و آیه الله مکارم)

۱ - سید محمد کاظم طباطبایی یزدی، العروة الوثقی، ج ۲ فصل فی اولیاء العقد؛ م ۱

۲ - سید روح الله خمینی استفتاءات استفتاءات (امام خمینی)، ج ۳، ص: ۱۶۶؛ تحریر الوسیله، کتاب نکاح، اولیاء عقد م ۲

۳ - شماره استفتاء: ۹۴۹۶۰۶ تاریخ استفتاء: ۲۳/۱۱/۱۳۹۷

۴ - <https://makarem.ir/main.aspx?typeinfo=۲۱&lid=۰&catid=۹۷۰&mid=۲۶۳۷۵۵>

۵ - رساله مراجع، جلد ۲، ذیل مساله ۲۳۷۷، استفتائات حضرت آیت الله سیستانی حفظه الله (جلد اول) س ۲۹۰

۶ - محمد حسن بنی هاشمی خمینی توضیح المسائل (محشی - امام خمینی)، ج ۲، ص: ۲۳۷۷م ۴۵۸

اگر اجازه گرفتن از آنان به جهت غائب بودن یا غیر آن ممکن نباشد، و دختر حاجت زیادی در همان وقت به ازدواج داشته باشد اجازه پدر و جد لازم نیست. (آیت الله سیستانی)^۱

اگر پدر و جد پدری ندارد، و یا غایب هستند و امکان اجازه گرفتن نباشد چنانچه دختر مصلحت خود را تشخیص می دهد نیاز به اجازه کسی ندارد. (امام خامنه ای)^۲

۳.۱.۳.۲. ولی در امر ازدواج دختر مشارکت نکند

اگر ولی از دخالت در ازدواج فرزند خود را کنار کشیده است تکلیف چیست؟
اگر پدر یا جد پدری حاضر نباشند در امر ازدواج دختر به هیچ وجه مشارکت کنند و بطور کلی، دختر را مطلق العنان و آزاد گذاشته و در شئون او دخالت نمی کنند، اذن ولی ساقط است. (آیه الله سیستانی)^۳

۴.۱.۳.۲. اختلاف نظر مرجع تقلید زن و مرد در لزوم اذن ولی

اگر دختر باکره ای بالغه و رشیده که مرجع تقلیدش ازدواج او را بدون اذن پدر تجویز می نماید با پسری که مرجع تقلیدش تجویز نمی نماید ازدواج کند، و پدر دختر هم راضی به این ازدواج نباشد؛ حکم این ازدواج چیست؟^۴
ازدواج نسبت به دختر صحیح و نسبت به پسر باطل می باشد (امام: در صورتی که قصد ازدواج از طرف کسی که مرجعش معتقد به بطلان است متمشی شود). (حضرت امام آیات عظام مکارم، سیستانی)

۲.۳.۲. دختر و پسر صغیر

پدر و جد پدری در چه صورتی ولایت در تزویج صغیر یا صغیره را دارند؟ آیا بعد از بلوغ فرد اجازه فسخ این عقد را دارد؟^۵
در صحت تزویج پدر و جد پدری و نفوذ آن نداشتن مفسده شرط است و گرنه عقد فضولی می باشد مانند اینکه بیگانه عقد کرده است و صحت آن بر اجازه صغیر بعد از بلوغ، توقف دارد بلکه احتیاط مستحب مراعات مصلحت است و اگر عقد به وسیله پدر یا جد از صغیر یا صغیره با مراعات آنچه که رعایتش واجب است واقع شود بعد از بلوغ آنها حق خیار فسخ ندارند بلکه بر آنها لازم می باشد ولی اگر مفسده ای داشته می تواند آن را به هم بزنند. (حضرت امام)

^۱ رساله مراجع، جلد ۲، ذیل مساله ۲۳۷۷

^۲ سید علی خامنه ای شماره استفتاء: ۸۵۴۷۴۷ تاریخ استفتاء: ۰۹/۰۱/۱۳۹۷؛ شماره استفتاء: ۸۵۴۷۴۷ تاریخ استفتاء: ۰۹/۰۱/۱۳۹۷

^۳ سید علی حسینی سیستانی منهاج الصالحین (للسیستانی)، ج ۳، ص: ۶۹م۲۸

^۴ سید محمد کاظم طباطبایی یزدی، العروة الوثقی، ج ۱، تقلید ۵۵، سید علی خامنه ای تفتا کد رهگیری ۲۵۶۵۲۶۶۰

^۵ رساله مراجع، ج ۲، م ۲۳۷۵؛ سید محمد کاظم طباطبایی یزدی، العروة الوثقی، ج ۲، فصل فی اولیاء م ۵؛ سید علی حسینی منهاج الصالحین (للسیستانی)، ج ۳، ص: ۵۹م۲۵

و ۶۰؛ شماره استفتاء: ۹۰۳۸۱۰ تاریخ استفتاء: ۰۵/۰۶/۱۳۹۷

در ازدواج فرزندان بالغ، عدم مفسده کافی است بلکه احتیاط (مستحب) مراعات مصلحت است، و مقصود از مصلحت این است که ازدواج به نفع فرزند به لحاظ دنیا و آخرت او باشد. (امام خامنه ای)

در صحت ازدواج صغیر و صغیره توسط ولی علاوه بر نبود مفسده وجود مصلحت نیز شرط است و وجود مصلحت در چنین ازدواجی در زمان ما بسیار مشکل است. [در مواقع ضرورت مثل مواردی که جهت ایجاد محرمیت و... عقد انجام می شود از وکلای ایشان کسب اجازه شود]. (آیه الله مکارم)

در صحت تزویج پدر و جد و نفوذ آن نداشتن مفسده شرط است و گرنه عقد فضولی می باشد و صحت آن بر اجازه بعد از بلوغ، توقف دارد بلکه احتیاط مستحب مراعات مصلحت است و ملاک در نبود مفسده نظر عقلا می باشد نه واقع امر پس اگر عقد کند به اعتقاد عدم مفسده و بعد معلوم شود بنظر عقلا مفسده داشته است صحیح نمی باشد و اگر در واقع مفسده نداشته در صورتی صحیح است که بنظر عقلا نیز مفسده نداشته باشد و اگر عقد به وسیله پدر یا جد از صغیر یا صغیره با مراعات آنچه که رعایتش واجب است واقع شود چنانچه پسر یا دختر نابالغ عقد ازدواج خود را به هم بزنند به احتیاط واجب یا باید طلاق دهند یا عقد را دوباره بخوانند ولی اگر مفسده ای داشته می تواند آن را امضا کند یا به هم بزند. (آیت الله سیستانی)

۳.۳.۲. ولایت بر مجنون (بالغ) ^۱

تذکر: گاه مجنون صغیر است که ملحق به بحث صغیر است که گذشت و گاه مجنون بالغ است که در ذیل به احکام آن اشاره میشود:

پدر و جد پدری بر تزویج دیوانه ای که جنونش به بلوغ اتصال دارد و همچنین در تزویج کسی که بعد از بلوغ مجنون شده است، ولایت دارند. (حضرت امام و آیه الله مکارم)

در صورتی که جنون او متصل به بلوغ باشد پدر و جد پدری ولایت دارند و می توانند فرزند مجنونشان را عقد کنند ولی در جنون منفصل احتیاط واجب اذن گرفتن از حاکم و (پدر یا جد پدری) است (آیت الله سیستانی).

۴.۳.۲. ولایت بر سفیه

حکم ازدواج سفیه را بیان کنید ^۲.

سفیه مُبْدَر^۱ که از زمان کودکی سفیه است یا یا سفیهی که بعد از بلوغ سفیه شده اگر به خاطر تبذیر، محجور شده، ازدواج او صحیح نیست مگر به اذن پدر یا جدش و در صورت نبود آنها با اذن حاکم شرع و تعیین مهر و زن به ولی

۱ - سید محمد کاظم طباطبایی یزدی، العروة الوثقی، ج ۲ فصل فی اولیاء م؛ سید علی حسینی سیستانی منهاج الصالحین ج ۳، ص: ۶۱م و ۵۷م، محمد حسن بنی هاشمی

خمینی توضیح المسائل (محتشی - امام خمینی)، ج ۲، ص ۴۵۷م ۲۳۷۵

۲- تحریر الوسیله، کتاب النکاح، اولیاء عقد، م؛ سید محمد کاظم طباطبایی یزدی، العروة الوثقی، ج ۲ فصل فی اولیاء م؛ سید علی حسینی سیستانی منهاج الصالحین ج ۳

برمی‌گردد (مکارم: در سفیه مالی تعیین زن با ولی نیست) و اگر بدون اذن ازدواج کند بر اجازه متوقف است پس اگر مصلحت ببیند و اجازه دهد جایز است و به اعاده صیغه نیازی نیست. (حضرت امام و آیه الله مکارم)

نسبت به پسر چنانچه از قبل از بلوغ سفیه بوده است کسی مستقلاً ولایت بر ازدواج او ندارد و خود او هم بنا بر احتیاط واجب بدون اذن نمیتواند ازدواج کند هرچند در امور مالی سفیه نباشد و تنها در امر ازدواج و خصوصیات آن از تعیین زوجه و کیفیت مهریه سفیه باشد، لذا احتیاط واجب این است که ازدواجش با اذن پدر یا جد پدری باشد و با نبود آنها با اذن حاکم باشد و اگر بعد از بلوغ سفیه شده است احتیاط واجب این است که با اذن پدر و جد و حاکم باشد، اما ازدواج دختر او بدون اذن ولی جایز نیست و آیا ولی میتواند او را عروس کند در صورتی که غیر باکره باشد نمی‌تواند و اگر باکره باشد نیز به احتیاط واجب نمی‌تواند. (آیه الله سیستانی)

۴.۲. کسانی که در ازدواج ولایت ندارند

آیا پدر بزرگ مادری، مادر، برادر، دایی، خاله، عمو و فرزندان‌شان و پدر مادر پدر، در نبود ولی ولایت دارند؟^۲

هیچکدام ولایت ندارند. (حضرت امام و آیات عظام مکارم و سیستانی)

در ازدواج دختره بالغه رشیده غیر از پدر و جد پدری کس دیگری ولایت ندارد. (مراجع عظام)

۳. شرایط صیغه عقد دائم و احکام مرتبط با آن

۳.۱. لزوم خواندن صیغه (حکم عقد معاطاتی)

آیا ازدواج مثل بقیه عقود به صورت معاطات نیز واقع می‌شود؟^۳

در ازدواج چه دائم و چه غیر دائم باید صیغه خوانده شود و تنها راضی بودن زن و مرد یا انشاء آن به فعل، کافی نیست. (مراجع عظام تقلید)

^۱. «مُبْدَر» در لغت به معنای کسی است که در تصرفات مالی و لخرجی بی‌حساب می‌کند و اموال را هدر می‌دهد، و در اینجا مراد از این قید تقریباً همان سفیه به معنای شرعی است، و در مقابل معنای لغوی سفیه که امور مالی و غیر مالی را شامل می‌شود در اینجا فقط شامل نادانی می‌باشد که در امور مالی از رشد کافی برخوردار نیست. (کتاب نکاح (زنجانی)، ج ۱۲، ص: ۴۱۹۸)

^۲ - سید محمد کاظم طباطبائی یزدی، العروة الوثقی، ج ۲ فصل فی اولیاء العقد؛ سید علی حسینی سیستانی منهج الصالحین ج ۳ فصل فی اولیاء العقد م ۵۷ و ۶۳؛ سید روح الله موسوی خمینی استفتاءات ج ۳، ص: ۱۶۴ س: ۱۲؛ ناصر مکارم شیرازی احکام خانواده ص ۱۶۰ م ۴۰، سید علی خامنه ایشماره استفتاء: ۴۷۱۲۳۹

^۳ - سید محمد کاظم طباطبائی یزدی، العروة الوثقی، ج ۲، کتاب النکاح، فصل فی العقد و احکامه، م ۱؛ توضیح المسائل (محشی - امام خمینی)، ج ۲، ص: ۴۵۰ م ۳۳۶۳

۲.۳. عربی بودن^۱

عقد ازدواج به احتیاط واجب باید به عربی صحیح خوانده شود و اگر خود مرد و زن نتوانند صیغه را به عربی صحیح بخوانند، به هر لفظی که صیغه را بخوانند صحیح است و لازم هم نیست که وکیل بگیرند اما باید لفظی بگویند که معنی «زَوَّجْتُ» و «قَبِلْتُ» را بفهماند. (حضرت امام و آیات عظام سیستانی و مکارم)

(مثلا زن میگوید: خود را زن تو نمودم به مهریه ۱۴ عدد سکه طلای تمام بهار آزادی و مرد بگوید: قبول کردم) - (و در موقت مثلا زن میگوید: خود را زن تو نمودم بمدت سه ماه و به مهریه یک عدد سکه طلای تمام بهار آزادی . و مرد میگوید: قبول کردم)

۳.۳. ماضی بودن صیغه

آیا لازم است صیغه عقد با فعل ماضی واقع شود؟^۲

ماضی بودن در صیغه ازدواج شرط نیست بلکه احتیاط مستحب ماضی بودن است پس کفایت می کند مستقبل و خبری مثل اینکه میگوید ازوَجَّک یا انا مزوَجَّک فلانه ولی بنابر احتیاط واجب صیغه امر کفایت نمی کند به اینکه بگوید: زَوَّجْنی فلانه، پس مرد بگوید: زَوَّجْتُکها. (حضرت امام و آیه الله مکارم)

ماضی بودن در صیغه ازدواج شرط نیست بلکه احتیاط مستحب ماضی بودن است. (آیه الله سیستانی)

۴.۳. قصد انشاء

قصد انشاء یعنی چه؟ و حکم آن در عقد چیست؟^۳

مرد و زن یا وکیل آنها که صیغه را می خوانند باید قصد انشاء داشته باشند یعنی اگر خود مرد وزن صیغه را می خوانند، زن به گفتن «زَوَّجْتُکَ نَفْسِی» قصدش این باشد که خود را زن او قرار دهد و مرد به گفتن «قَبِلْتُ التَّزْوِیجَ» زن بودن او را برای خود قبول نماید و اگر وکیل مرد و زن صیغه را می خوانند، به گفتن «زَوَّجْتُ و قَبِلْتُ» قصدشان این باشد که مرد و زنی که آنان را وکیل کرده اند زن و شوهر شوند (یعنی با این الفاظ قصد ایجاد پیمان زناشویی و قبول این پیمان را بکنند نه اینکه بخواهند خبر دهند که در خارج واقع شده است). (حضرت امام و آیات عظام سیستانی و مکارم)

۱. سید محمد حسن بنی هاشمی خمینی، توضیح المسائل مراجع، ج ۲، م ۲۳۷۰

۲ - سید محمد کاظم طباطبایی یزدی، العروة الوثقی (للسید الیزدی)، ج ۲ فصل فی العقد و احکامه ؛ سید علی سیستانی منهج الصالحین (للسیستانی)، ج ۴، ص: ۱۷ الفصل الثانی فی عقد النکاح و احکامه م ۳۲

۳ - سید محمد حسن بنی هاشمی خمینی، توضیح المسائل مراجع، ج ۲، م ۲۳۷۰؛ سید محمد کاظم طباطبایی یزدی، العروة الوثقی (للسید الیزدی)، ج ۲ فصل فی العقد و احکامه

۵.۳. قصد مضمون (دانستن معنای الفاظ عقد)^۱

قصد مضمون در عقد معتبر است و این متوقف است بر فهم معنی دو لفظ «انکحت» و «زوجت» و لو اینکه به صورت اجمالی باشد پس اگر موجب به قولش «انکحت» یا «زوجت» قصد واقع ساختن علقه خاص و معروفی را بنماید و قابل هم همین معنی را قبول کند کفایت می‌کند، (حضرت امام: مگر اینکه به نحوی جاهل به لغات باشد که نداند پیوندی که پیدا می‌شود با لفظ «زوجت» واقع می‌شود یا با لفظ «موکلی» پس در چنین صورتی بنابر احتیاط واجب عقد صحیح نیست اگر چه بداند که این جمله برای این معنی است. (حضرت امام و آیه الله سیستانی)

لازم نیست کسی که صیغه ی عقد را جاری می‌سازد عارف به خصوصیات الفاظ نکاح باشد به آن که تمیز دهد فعل و فاعل و مفعول را بلکه کفایت می‌کند همین قدر اجمالاً بداند که معنای آن صیغه، انشاء نکاح است. بلی، احتیاط مستحبی آن است که تفصیلاً بداند. (آیه الله مکارم)

۶.۳. تنجیز

آیا تنجیز در صیغه عقد لازم است؟^۲

- در صحت عقد تنجیز شرط است؛ پس اگر آن را بر شرطی و آمدن زمانی معلق نماید باطل است البته اگر آن را بر چیزی که حقیقتاً حاصل شده معلق نماید کما اینکه اگر در روز جمعه بگوید: «انکحت ان کان الیوم یوم الجمعة» عقد صحیح می‌باشد. (حضرت امام)

- یشرط فی صحه النکاح التنجیز، فلو علّقه علی أمر مستقبل معلوم الحصول أو متوقع الحصول بطل، و هكذا إذا علّقه علی أمر حالی محتمل الحصول إذا کان لا تتوقف علیه صحه العقد، و أما إذا علّقه علی أمر حالی معلوم الحصول أو علی أمر مجهول الحصول و لکنه کان مما تتوقف علیه صحه العقد لم یضر، کما إذا قالت المرأة فی یوم الجمعة و هی تعلم انه یوم الجمعة: (أنکحتک نفسی إن کان الیوم یوم الجمعة) أو قالت: (أنکحتک نفسی إذا لم أکن أختک). (آیت الله سیستانی)

- در صحت عقد تنجیز شرط است؛ پس اگر آن را بر شرطی یا آمدن زمانی معلوم یا مجهول معلق نماید عقد باطل است. (آیه الله مکارم)

۷.۳. ایجاب و قبول (الفاظ، گوینده و جایگاه هر یک)

الف: الفاظ ایجاب و قبول^۱

۱ - سید محمد کاظم طباطبایی یزدی، العروة الوثقی (للسید الیزدی)، ج ۲ فصل فی العقد و احکامه ۸ سید علی سیستانی منهاج الصالحین (للسیستانی)، ج ۳، ص: ۳۷۱۸؛

۲ - سید محمد کاظم طباطبایی یزدی، العروة الوثقی (للسید الیزدی)، ج ۲ فصل فی العقد و احکامه ۱۱ منهاج الصالحین، سیستانی، ج ۳، مسأله ۳۹

احتیاط واجب این است که ایجاب در عقد دائم با لفظ (نکاح) یا (تزویج) باشد و لفظ (متعہ) نیز اگر همراه با قرآینی باشد که باعث ظهور آن در عقد دائم شود صحیح است و احتیاط واجب این است که قبول با لفظ (قَبِلْتُ) یا (رَضِيتُ) باشد و در قبول جایز است که فقط به ذکر «قَبِلْتُ» بعد از ایجاب، بدون ذکر متعلقاتی که در ایجاب ذکر شده اکتفا شود. (حضرت امام و آیه الله مکارم)

احتیاط واجب این است که ایجاب در عقد دائم با لفظ (نکاح) یا (تزویج) باشد و لفظ (متعہ) نیز اگر همراه با قرآینی باشد که دلالت بر عقد دائم نکند صحیح است و در قبول جایز است که فقط به ذکر «قَبِلْتُ» یا «رَضِيتُ» بعد از ایجاب، بدون ذکر متعلقاتی که در ایجاب ذکر شده اکتفا شود. (آیه الله سیستانی)

ب: آیا باید ایجاب از طرف زوجه باشد؟^۲

احتیاط واجب آن است که ایجاب از طرف زوجه و قبول از طرف زوج باشد، پس بنابر احتیاط واجب مجزی نیست اینکه زوج بگوید: «زوجتک نفسی» آنگاه زوجه بگوید: «قَبِلْتُ». (حضرت امام ره)

احتیاط مستحب آن است که ایجاب از طرف زوجه باشد و قبول از طرف زوج پس جایز است مرد بگوید زوجتک نفسی علی الصداق المعلوم و زن بگوید (قَبِلْتُ). (آیه الله سیستانی)

احتیاط واجب آن است که ایجاب از طرف زوجه و قبول از طرف زوج باشد، و عکس آن در صورتی جایز است که [ایجابی که مرد می گوید] با صیغه «تَزَوَّجْتُکَ» یا «أَتَزَوَّجُکَ» و مانند آن که دارای معنای مطاوعه است باشد امام اگر با صیغه «تَزَوَّجْتُکَ» یا «أَتَزَوَّجُکَ» باشد که معنای مطاوعه ندارند بنابر احتیاط واجب صحیح نیست. (آیه الله مکارم)

ج: تقدیم ایجاب بر قبول

آیا تقدیم ایجاب بر قبول لازم است؟^۳

احتیاط واجب تقدیم ایجاب است بر قبول؛ اگر چه که عکس آن جایز است، در صورتی که قبول به لفظ «قَبِلْتُ» و امثال آن نباشد بلکه با الفاظی مثل (تزوجت) باشد. (حضرت امام)

تقدیم قبول بر ایجاب با لفظ (قَبِلْتُ) قطعاً کافی نیست ولی اگر با الفاظی مانند تزوَّجت یا اتزوَّجت باشد صحیح است. (آیه الله مکارم)

احتیاط واجب تقدیم ایجاب است بر قبول؛ اگر چه که عکس آن جایز است، در صورتی که قبول به لفظ «قَبِلْتُ» و امثال آن بدون ذکر متعلق نباشد، پس صحیح است که مرد بگوید: (أَتَزَوَّجُکَ علی الصداق المعلوم) و سپس زن بگوید: (نعم)، یا مرد بگوید: (قَبِلْتُ التزویج بک علی الصداق المعلوم) و سپس زن بگوید: (زَوْجَتُک نفسی). (آیه الله سیستانی)

۱. العروة الوثقی مع التعليقات، ج ۲، ص: ۸۲۹، کتاب النکاح، [فصل فی العقد و أحكامه] م ۱؛ منهاج الصالحین (للسیستانی)، ج ۳، ص: ۱۷م ۳۲ و ۳۳

۲ - سید محمد کاظم طباطبایی یزدی، العروة الوثقی (للسید الیزدی)، ج ۲ فصل فی العقد و أحكامه م ۱، سید علی سیستانی منهاج الصالحین (للسیستانی)، ج ۳، ص: ۱۷ الفصل الثانی فی عقد النکاح و أحكامه م ۳۱

۳ - سید محمد کاظم طباطبایی یزدی، العروة الوثقی (للسید الیزدی)، ج ۲ فصل فی العقد و أحكامه م ۱، سید علی سیستانی منهاج الصالحین (للسیستانی)، ج ۳، ص: ۱۷ الفصل الثانی فی عقد النکاح و أحكامه م ۳۱

۸.۳. رضایت زوجین (اختیار)^۱

در صحت عقد، اختیار زوجین شرط است، پس اگر هر دو یا یکی از آنها را بر ازدواج مجبور نماید، صحیح نمی‌باشد ولی اگر بعداً رضایت دهد صحیح است. (حضرت امام)

در صحت عقد رضایت زوجین شرط است لذا اگر زن در ظاهر با کراهت اذن دهد با وجود علم به رضایت قلبی او عقد صحیح است و در صورتی که علم به کراهت واقعی زن باشد عقد باطل است هرچند تظاهر به رضایت کند و اگر زوجین یا یکی از آنها بر عقد اکراه شوند و سپس رضایت دهند عقد صحیح است ولی در هر دو صورت بهتر است عقد تکرار شود. (آیه الله سیستانی)

۹.۳. تعیین زوجین^۲

در صحت عقد، تعیین زوجین به طوری که از غیرشان ممتاز شوند به اسم یا اشاره یا وصفی که آن را ایجاب نماید، شرط است؛ پس اگر بگوید «زوجتک احدی بناتی» باطل است ولی اگر در قصد متعاقدين معین باشند ولی در صیغه تعیین نشوند عقد صحیح است کما اینکه بعد از گفتگو، بگوید: «زوجت ابنتی منک»، اگر اسم با وصف مختلف باشد یا اختلاف کنند یا یکی از آنها با اشاره باشد، عقد تابع مقصود می‌باشد و آنچه که به طور غلط و اشتباهی واقع شده لغو می‌باشد (حضرت امام و آیه الله سیستانی)

تعیین زوج و زوجه از ارکان عقد است و ملاک در آن ظهور لفظ به همراه قرائن در این است که چه کسی مقصود است. (آیه الله مکارم)

۱۰.۳. شرایط مجری صیغه عقد (بلوغ-عقل-قصد)^۳

مواردی که در عاقده که صیغه را اجرا می‌کند، شرط است:

۱- عقل شرط است؛ پس عقد بچه و دیوانه و لو ادواری باشد- در حال دیوانگی- اعتبار ندارد، چه برای خود عقد نمایند یا برای غیر خودشان. (حضرت امام و آیات عظام سیستانی و مکارم)

۲- قصد در مجری صیغه معتبر است؛ پس عقدی که از روی سهو و اشتباه و شوخی و امثال اینها، انجام شده و همچنین عقد انسان مست اعتباری ندارد. (حضرت امام و آیه الله سیستانی)

۳- بلوغ (حضرت امام و آیات عظام سیستانی و مکارم)

^۱ . تحریر الوسيلة - ترجمه، ج ۳، ص: ۴۳۹ عقد ازدواج و احکام آن. مسألة ۲۵؛ سید علی سیستانی منہاج الصالحین (للسیستانی)، ج ۳، م ۴۱ و ۴۲؛ توضیح المسائل مراجع،

ج ۲، م ۲۳۷۰

^۲ . تحریر الوسيلة، کتاب النکاح، عقد نکاح و احکام آن، مسألة ۱۳- منہاج الصالحین، ج ۳ م ۴۳ و ۴۴؛ العروة الوثقی مع التعليقات، ج ۲، ص: ۸۲۹ [فصل فی العقد و احکامه] م ۱۷

^۳ . تحریر الوسيلة، کتاب نکاح، عقد نکاح و احکام آن، م ۱۱؛ منہاج الصالحین، ج ۳ م ۴۰؛ العروة الوثقی مع التعليقات، ج ۲، ص: ۸۲۹ [فصل فی العقد و احکامه] م ۱۳

نکته: در مورد بچه ممیز در موارد وکالت و... تفصیلاتی وجود دارد که رجوع شود.

۱۱.۳. صیغه عقد به صورت غیر حضوری

الف: زن و مرد یا یکی از آنها حضور نداشته باشند و وکیل عقد هر دو را بخواند.

اگر صیغه عقد از پشت تلفن توسط شخصی که زن و مرد قبول دارند برایشان خوانده شود صحیح است؟^۱

خواندن عقد به صورت تلفنی با رعایت شرایط آن اشکال ندارد. (امام خامنه ای)

طرفین نمی توانند صیغه را از طریق تلفن بخوانند و ایجاب و قبول از طریق تلفن باشد، هم چنین نمی توان از طریق تلفن وکالت گرفت و عقد را خواند، زیرا صداهای مشابه یکدیگر فراوانند؛ مگر این که یقین قطعی پیدا کند که گوینده فرد مورد نظر است. ولی اگر اختلافی با هم پیدا کنند این قبیل عقدها در محاکم شرعی و عرفی پذیرفته نیست. (آیه الله مکارم)

ب: زن و مرد در یک محل نباشند و خودشان صیغه عقد را تلفنی و... بخوانند.

اگر صیغه عقد به صورت غیر حضوری، به وسیله ی تماس تلفنی، فیلم ویدیویی و ... توسط زوجین یا وکیل آنها اجرا شود، عقد حاصل صحیح است یا خیر؟^۲

اتحاد مجلس ایجاب و قبول شرط نیست به شرطی که فاصله زیادی بین گفتن ایجاب و قبول نشود و عرفاً نیز صدق عقد بکند مثل اینکه زن مرد را مورد خطاب قرار دهد و مرد در مکان دیگری صدایش را بشنود. (حضرت امام)

آیا میشود نکاح موقت یا دائم را از پشت تلفن همراه خواند؟ با رعایت شرایط آن اشکال ندارد. (امام خامنه ای)^۳

عقد (دائم یا موقت) بصورت غیر حضوری اشکال دارد و اگر بخوانند بنا بر احتیاط واجب در عقد دائم برای جدایی، صیغه طلاق با شرایط شرعی خوانده شود و در عقد موقت، مرد باقیمانده مدت را ببخشد. (آیه الله مکارم)

۱۲.۳. وکالت در اجرای صیغه عقد

عقد وکالتی چه حکمی دارد؟^۴

^۱ . شماره استفتاء: ۸۷۶۶۵۰ تاریخ استفتاء: ۱۱/۰۳/۱۳۹۷

<https://makarem.ir/main.aspx?typeinfo=۲۱&lid=۰&catid=۵۱۱&mid=۲۶۲۷۹۳>

^۲ - سید محمد کاظم طباطبایی یزدی، العروة الوثقی (للسید الیزدی)، ج ۲ فصل فی العقد و احکامه م ۱۰؛ رهبری-ادمین شماره استفتاء: ۹۳۳۲۸۰ تاریخ استفتاء:

۲۸/۰۹/۱۳۹۷

<https://makarem.ir/main.aspx?typeinfo=۲۱&lid=۰&catid=۵۱۱&mid=۲۶۲۷۹۲>

^۳ . شماره استفتاء: ۹۳۳۲۸۰ تاریخ استفتاء: ۲۸/۰۹/۱۳۹۷

^۴ - سید محمد حسن بنی هاشمی خمینی، توضیح المسائل مراجع، ج ۲، م ۲۳۶۷

یک نفر می‌تواند برای خواندن صیغه عقد دائم یا غیر دائم از طرف دو نفر وکیل شود همچنین انسان می‌تواند از طرف زن وکیل شود و او را برای خود به طور دائم یا غیر دائم عقد کند البته احتیاط مستحب آن است که عقد را دو نفر بخوانند. (حضرت امام و آیات عظام سیستانی و مکارم)

۱۳.۳. حکم عقد فضولی

آیا صیغه عقد فضولی صحیح است؟^۱

پاسخ: اگر عقد زنی را برای مردی بدون اجازه آنها بخوانند و بعداً آنها راضی شوند و اجازه دهند عقد صحیح است. (مراجع عظام تقلید)

۱۴.۳. اجرای عقد توسط غیر شیعه

آیا اجرای عقد توسط غیر شیعه ۱۲ امامی صحیح است؟^۲

اگر سائر شرائط صحت را لحاظ نموده باشد، مانعی ندارد و صحیح است. (امام خامنه ای و آیت الله مکارم)

۱۵.۳. حکم اشتباه خواندن عقد^۳

اگر غلطی در صیغه عقد باشد پس اگر تغییر دهنده معنی باشد به طوری که لفظ، برای معنای دیگری - غیر آنچه که مقصود است - شمرده شود، کفایت نمی‌کند و اگر طوری است که معنای مقصود از او فهمیده می‌شود لیکن لفظ و عبارت از حیث ماده یا از جهت اعراب غلط است اکتفا به آن صحیح است. (حضرت امام)

اگر صیغه عقد اشتباه خوانده شود در صورتی که لفظ ظهور عرفی در معنای مقصود داشته باشد عقد صحیح است و گرنه عقد باطل است (آیات عظام سیستانی و مکارم)

پرسش: اگر در ازدواج موقت بجای (زوجتک) بگوید (زوجت) عقد چه حکمی دارد؟

پاسخ: در فرض سوال باید عقد را مجدداً بخوانند. (آیه الله مکارم)^۴

۱. سید محمد حسن بنی هاشمی خمینی، توضیح المسائل مراجع، ج ۲، م ۲۳۷۳

۲ - استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۲۳۱ س ۶۱۰؛ سید علی خامنه ای شماره استفتاء: ۷۵۴۶۲۸

۳ - سید محمد کاظم طباطبایی یزدی، العروة الوثقی (للسید الیزدی)، ج ۲ فصل فی العقد و احکامه م ۶: تحریر، کتاب النکاح، عقد و احکام آن، م ۶؛ سیستانی، منهاج، ج ۳، م ۳۶

۴. <https://makarem.ir/main.aspx?typeinfo=۲۱&lid=۰&catid=۵۲۹&mid=۲۶۳۱۴۲>

۴. تعیین مهریه و احکام مرتبط با آن

۴.۱. حکم تعیین مهریه در عقد دائم

حکم ذکر مهریه نسبت به ازدواج دائم چیست؟^۱

ذکر مهریه در عقد دائم شرط صحت عقد نیست و بدون ذکر مهریه و حتی با شرط عدم مهریه نیز عقد صحیح است مثلاً زن بگوید: زوجتک نفسی، یا تصریح کند به نبود مهر مثلاً بگوید زوجتک نفسی بلا مهر، سپس مرد بگوید قبلت، عقد صحیح است و چنین زنی را (مَفْوضَةُ الْبُضْع) میگویند. (حضرت امام و آیه الله سیستانی) تعیین مهر در عقد دائم واجب نیست و بدون آن عقد صحیح است. (آیه الله مکارم)

۴.۲. انواع مهریه (مُسَمَّی - مِثْل - سُنَّه - مَتْعَه)

انواع مهریه^۲

۱- «مهر المسمی» همان مهری است که در عقد تعیین می شود.

۲- «مهر المثل» مهر امثال آن زن در عرف و عادت.

۳- «مهر المتعه» هرگاه مهر در عقد ذکر نشده باشد و شوهر قبل از نزدیکی و تعیین مهر زن خود را طلاق دهد زن مستحق مهر المتعه است و برای تعیین مهر المتعه حال مرد از حیث غنا و فقر ملاحظه می شود.

۴- «مهر السنه» مهری که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم برای هر یک از زنان و دختران خود از جمله حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها قرار دادند.

مهر السنه پانصد درهم نقره سکه دار معادل «۲۶۲ / ۵» مثقال معمولی نقره سکه دار است. «حضرت امام»

مهر السنه پانصد درهم است و هر درهم ۱۲ / ۶ نخود نقره است و وزن یک نخود تقریباً معادل یک بیست و چهارم مثقال

و ۱۵ / ۰ گرم است و قیمت آن را می توانید از بازار بدست آورید. (امام خامنه ای)^۳

حدود ۱۲۵۰ گرم [نقره] به طور تقریب. (آیه الله مکارم)^۴

۴.۲.۱. ملاک تعیین مهر المثل

^۱ - سید روح الله خمینی تحریر الوسیله، کتاب النکاح، مهر، مسأله ۴؛ سید علی سیستانی منهاج الصالحین، ج ۳، ص: ۲۹۲؛ سید محمد حسن بنی هاشمی خمینی توضیح

المسئل مراجع ج ۲ ص: ۴۸۰م ۲۴۱۹

^۲ - ناصر مکارم شیرازی احکام بانوان، ص: ۱۶۳س ۵۸۰؛ حبیب الله طاهری، فقه استدلالی حقوق مدنی

^۳ . شماره استفتاء: ۷۷۵۶۸۴ تاریخ استفتاء: ۱۳۹۶/۰۳/۱۹

^۴ - سید روح الله خمینی استفتاءات، ج ۳، ص: ۱۸۸س ۳۲؛ سید علی خامنه ای شماره استفتاء: ۸۶۲۴۱۹؛ ناصر مکارم شیرازی استفتاءات جدید، ج ۱، ص: ۲۱۷س ۷۶۹

ملاک تعیین مهریه در مهر المثل چیست؟^۱

آنچه معتبر است در مهر المثل حال زن است در صفات مثل جمال و شرف، سن، بکارت، نجابت، عفت، عقل، ادب، شرف، کمال، و اعداد اینها [یعنی زشتی، عدم بکارت و...] بلکه هر چیزی که از نظر عرف و عادت در زیادی و نقصان مهریه تاثیر دارد در ملاحظه مهر میر شود. حتی اقارب، عشیره، شهر و سایر امور تاثیر گذار در مهریه ملاحظه می شوند (سیستانی: و حال زوج نیز در تعیین آن دخالت دارد). (حضرت امام و آیه الله سیستانی)

مهر المثل با مراجعه به افرادی که همانند آن دختر از نظر سن و سال و منزلت اجتماعی و جهات دیگر هستند، در نظر گرفته می شود، مثلاً خواهران، خواهرزاده ها، دختر عمه ها و دختر عموها، چنانچه از نظر عرفی شبیه هم باشند، با یکدیگر مقایسه می شوند. (آیه الله مکارم)^۲

۴.۲.۲. موارد وجوب مهر المثل در عقد دائم

مهر المثل در چه جاهایی واجب می شود؟

در موارد بسیاری مهر المثل به زن تعلق می گیرد که هریک تفصیلاتی دارند و لازم است به کتب مفصل فقهی کتاب نکاح، بخش مهر مراجعه شود از جمله: باطل بودن عقد، مبهم بودن مهریه، مالیت نداشتن مهریه، تعیین نشدن مهریه در عقد، و... در بحث دیات نیز در مواردی مثل زنای از روی اکراه و وطی به شبهه و... موجب وجوب مهر المثل می شوند.

۴.۳. اگر عقد دائم بدون مهریه خوانده شود^۳

اگر عقد بدون مهریه خوانده شده است تکلیف مهریه چیست ؟

الف: قبل از دخول و قبل از اراده طلاق

زن قبل از دخول مستحق چیزی نیست مگر طلاق بدهد. (حضرت امام و آیه الله سیستانی)

ب: قبل از دخول و بعد از اراده طلاق

اگر عقد بدون مهریه خوانده شده و مرد بخواهد زن را قبل از دخول طلاق دهد تکلیف چیست؟

زن استحقاق دارد که مرد به حسب حالش از غنا و فقر و باز بودن دست و تهی بودن آن، چیزی را از دینار یا درهم یا لباس یا چارپا یا غیر اینها به او بدهد و به این چیز، «متعّه» گفته می شود. (حضرت امام و آیه الله سیستانی)

ج: بعد از دخول

^۱ - سید علی سیستانی منهاج الصالحین، ج ۳، ص: ۲۹۵؛ سید روح الله خمینی، تحریر الوسیله، کتاب النکاح، [فصل فی المهر، ۶]

^۲ - ناصر مکارم شیرازی

^۳ - سید روح الله خمینی تحریر الوسیله، ج ۲، ص: ۲۹۸ فصل فی المهر ۵؛ سید علی سیستانی منهاج الصالحین، ج ۳، ص: ۲۹۴

اگر عقد بدون مهریه خوانده شده و دخول شده است تکلیف مهریه چیست؟

اگر به او دخول نموده باشد به سبب آن مستحق مهر امثال خودش می‌باشد(امام: در این مورد اگر مهر المثل از مهر السنه بیشتر بود نسبت به مقدار مازاد به احتیاط واجب مصالحه کنند).(حضرت امام و آیه الله سیستانی)

د: فسخ عقد یا فوت یکی از زوجین قبل از دخول

اگر عقد بدون مهریه خوانده شده و مرد بخواهد عقد را فسخ کند و یا زن یا مرد قبل از دخول از دنیا برود تکلیف چیست؟

اگر عقد قبل از دخول به چیزی غیر از طلاق فسخ شود یا اگر یکی از زوجین قبل از دخول بمیرد، زن مستحق چیزی از مهریه نمی‌باشد. (حضرت امام و آیه الله سیستانی)

۴.۴. تعیین مهر بعد از عقد

اگر عقدی بدون مهریه اجرا شده آیا میتوانند بعد از عقد مهریه تعیین کنند؟^۱
جایز است بعد از عقد باهم توافق کنند اعم از اینکه به اندازه مهرالمثل باشد یا کمتری بیشتر و و آن به عنوان مهریه تعیین می‌شود و مثل مهریه مذکور در عقد است. (حضرت امام و آیه الله سیستانی)

۴.۵. شرایط مهریه(در عقد دائم)

۴.۵.۱. چیزهایی که می‌شود مهریه قرارداد

چه چیزهایی مهریه واقع می‌شود؟

هر آنچه را که مسلمان مالک می‌شود صحیح است که مهریه قرارداد شده(سیستانی): به شرط اینکه عرفاً مالیت داشته باشد، بنا بر احتیاط واجب) و فرقی ندارد که عین باشد یا دین، یا منفعت چیزی باشد مانند منفعت و درآمد خانه، یا مزرعه، یا حیوان، و صحیح است که منفعت شخص آزادی، مهر قرار داده شود مانند تعلیم صنعت و قرآن و بلکه ظاهر آنست که حق مالی که قابل نقل و انتقال است را می‌توان مهریه قرارداد مانند حق التحجیر.(حضرت امام، آیت الله سیستانی)^۲
نکته: ۱- در مهریه قراردادن هریک از امور گفته شده باید شروطی که در ادامه برای مهریه بیان می‌شود رعایت شود.

^۱ - سید علی سیستانی منهاج الصالحین ، ج ۳، ص: ۲۹۳م ۲۹۳؛ سید روح الله خمینی تحریر الوسیله، کتاب النکاح، فصل فی المهر م ۱۰

^۲ تحریر الوسیله، جلد ۲، کتاب النکاح، فصل فی المهر، مساله ۱، منهاج الصالحین، آیت الله سیستانی، جلد ۳، مساله ۲۸۶

۲- آیه الله مکارم در مواردی که مهریه انجام عمل مستحبی تعیین می شود (مثل خواندن نماز امام زمان-صلوات و...) تصریح دارند که اگر منظور این است که ثواب آن را به زن هدیه کند مهریه صحیح بوده و باید تا می تواند به آن عمل کند و الا اگر فقط انجام عمل شرط شود بی آنکه نیتش هدیه ثواب آن به زن باشد مهریه باطل است و تبدیل به مهرالمثل می شود.^۱

۴.۵.۲. مالیت داشتن مهریه

مهریه بنابر احتیاط واجب باید عرفاً مالیت داشته باشد. (آیه الله سیستانی)^۲

۴.۵.۳. مقدار مهریه

مهریه باید چقدر باشد؟

پاسخ: برای مهریه اندازه‌ای وجود ندارد و توافق طرفین ملاک است (البته در جهت کمی، لازم است آنقدر اندک نباشد که از مالیت خارج شود و در جهت زیاده، مستحب است از مهر السنّه بیشتر نباشد). (حضرت امام، آیت الله سیستانی)^۳.
مهر حدّ ثابتی ندارد، ولی شایسته است که از مهریه های سنگین پرهیز شود که طبق برخی از روایات چنین زنانی که مهریه سنگین دارند شوم هستند. (آیت الله مکارم)^۴

۴.۵.۴. مبهم نبودن مهریه

مهر باید طوری تعیین شود که آن را از ابهام خارج کند پس اگر مثلاً خیاطی یکی از دو لباس را مثلاً مهر قرار دهد، مهر باطل می‌شود- نه عقد- و برای زن با دخول به او، مهر المثل است، البته تعیینی که در بیع و مانند آن از معاوضات معتبر است، در مهر معتبر نمی‌باشد پس مشاهده چیز حاضر کفایت می‌کند اگر چه کیل یا وزن یا شمردن یا ذرع آن را نداند مانند یک کپّه گندم و یک تکه طلا و یک توپ از لباس که مشاهده شده است و یک صبره حاضر از گردو و امثال اینها. (حضرت امام)^۵
قرار دادن قرآن جزء مهریه کار خوبی است و مفهومی تهیه یک جلد کلام الله مجید برای زوجه است؛ ولی لازم است قیمت آن در موقع عقد تعیین شود، تا مبهم نباشد. (مکارم)^۶

^۱ - ناصر مکارم شیرازی

<https://makarem.ir/main.aspx?typeinfo=۲۱&lid=.0&catid=.0&mid=۲۶۳۹۵۶>

^۲ منهاج الصالحین، آیت الله سیستانی، جلد ۳، مساله ۲۸۶

^۳ تحریر الوسیله، جلد ۲، کتاب النکاح، فصل فی المهر، مساله ۱، منهاج الصالحین، آیت الله سیستانی، جلد ۳، مساله ۲۸۷

^۴ <https://makarem.ir/main.aspx?typeinfo=۲۱&lid=.0&catid=۴۶۹۰۸&mid=۲۶۳۹۴۰>

^۵ تحریر الوسیله، کتاب النکاح، مهر، ۳م

^۶ - ناصر مکارم شیرازی استفتاءات جدید، ج ۲، ص: ۳۳۹س ۹۸۵

اگر این امور (قران؛ شاخه نبات؛ آیین و شمعدان) به عنوان مهریه قرار داده شود باید قیمت آن (هر چند به صورت معمول که برای هر دو طرف روشن باشد) تعیین شود و الا مهریه مجهول می شود و در صورت جهالت در مهریه در عقد دائم عقد صحیح است اما مهریه باطل می شود و بعد از دخول مرد ضامن مهر المثل است و در عقد موقت موجب بطلان عقد می شود. (آیت الله خامنه ای)^۱

حکم قرار دادن نیمی از درآمدهای شخص به عنوان مهریه: چنین مهریه ای باطل است و باید مهر المثل به او بپردازید یعنی مهریه ای همانند افراد شبیه به او. (آیه الله مکارم)^۲

اگر مهریه سیصد هزار تومان و نصف مایملک داماد باشد آیا این مهریه باطل نیست؟^۳
این مهریه مجهول و باطل است و به جای آن باید مهر المثل بپردازد. (آیه الله مکارم)

۴.۵.۵. قصد پرداخت مهریه

اگر مرد مهر زن را در عقد [دائم] معین کند و قصدش این باشد که آن را ندهد، عقد صحیح است ولی مهر را باید بدهد (حضرت امام، آیات عظام مکارم و سیستانی)^۴

۴.۵.۶. درخواست و پرداخت مهریه

اگر طلبکار طلب خود را مطالبه کند چنانچه بدهکار بتواند بدهی خود را بدهد، باید فوراً آن را بپردازد و اگر تأخیر بیندازد گناه کار است. (مراجع عظام تقلید)^{۵-۶}

نکته: مهریه یک دین و بدهی برعهده مرد می باشد که در طول زندگی هر وقت زن خواست می تواند مطالبه کند و تنها مربوط به زمان نزاع و طلاق و... نیست.

۴.۵.۷. محاسبه مهریه به نرخ روز (تورم - کاهش ارزش پول)

نظر مراجع عظام در پرداخت مهریه زنان طبق ارزش پولی روز (یوم الاداء) چیست؟

^۱ - سیدعلی خامنه ای شماره استفتاء: ۸۶۶۹۲۰

^۲ - ناصر مکارم شیرازی

^۳ - <https://makarem.ir/main.aspx?typeinfo=۲۶۳۹۱۵&mid=۰&catid=۰&lid=۲۱>

^۴ - ناصر مکارم شیرازی استفتاءات جدید، ج ۱، ص: ۲۲۰ س ۷۴۸

^۵ - رساله مراجع، جلد ۲، مساله ۲۴۴۶

^۶ - سید علی سیستانی منهج الصالحین، ج ۳، ص: ۳۰۳؛ سید محمد حسن بنی هاشمی خمینی توضیح المسائل (محشی - امام خمینی)، ج ۲، ص: ۳۹۲ م ۲۲۷۶

^۶ - سیدعلی خامنه ای شماره استفتاء: ۸۷۱۴۰۵

پاسخ: مقدار مهریه همان است که در عقد قرارداد شده، و با اختلاف ارزش پول و قدرت خرید تغییر پیدا نمی‌کند. (حضرت امام)^۱

می‌تواند تورم و کاهش ارزش پول را محاسبه کند و معادل ارزش و اعتبار زمان پرداخت را بگیرد (امام خامنه ای)^۲
اگر بدهکار در پرداخت بدهی خود کوتاهی کرده باشد یا مانعی برای دریافت بوده مثل مهریه زن که گرفتنش معمولاً موجب کم‌ارزشی زن می‌شود، و به قدری گذشته که تفاوت تورم زیاد است، باید با توجه به نرخ متوسط تورم کل اجناس که هر سال بانک مرکزی اعلام می‌کند،^۳ بدهی را بپردازد. در غیر این صورت، گرفتن زیادی، ربا و حرام است. (آیت‌الله مکارم)^۴
به طور کلی چنانچه کاهش ارزش پول بسیار فاحش و زیاد باشد، بدین جهت، مبلغ سابق بدهی، آن قدر کم ارزش شده باشد که نسبت به ارزش فعلی آن بسیار نا چیز به حساب آید، در این فرض بنا بر احتیاط، لازم است بدهکار به پرداخت مبلغ سابق اکتفاء نکرده و هنگام ادای دین به مبالغ بیشتر از مقدار سابق با طلبکار مصالحه نمایند. (آیت الله سیستانی)^۵

۴.۵.۸. اگر زوج قبل از دخول زن را طلاق دهد - نصف شدن مهریه

اگر زوج قبل از دخول زن را طلاق دهد تکلیف مهریه چه می‌شود؟^۶
به زن نصف مهریه تعلق می‌گیرد و اگر آن را دریافت نموده اگر عین آن باقی باشد باید بر گرداند و اگر تلف کرده چنانچه مثلی باشد مثل آن را و اگر قیمی باشد قیمت آن را ضامن است. (حضرت امام و آیه الله سیستانی)
نکته: دخولی که تمام مهر به او استقرار پیدا می‌کند، مطلق و طی و لو در دبر است. (حضرت امام)^۷

۴.۵.۹. حکم مهریه با فوت احد الزوجین (قبل از دخول)

آیا با فوت احد الزوجین (قبل از دخول) تمام مهریه زن مستقر می‌شود؟
موت مانند طلاق (قبل از دخول) باعث نصف شدن مهر می‌شود هر چند احتیاط مستحب مصالحه است، خصوصاً در فوت مرد. (حضرت امام، آیت الله سیستانی)^۸

^۱ استفتائات حضرت امام، جلد ۳، احکام ازدواج، مسائلی در مهریه، سوال ۱۷

^۲ استفتاء شخصی از سایت امام خامنه ای Leader.ir (Istifta) شماره استفتاء ptfPtGELuYc :

^۳ در محاسبه تورم، تورم متوسط اجناس مختلف را در نظر می‌گیرند؛ هرچند تورم آن جنس بیشتر یا کمتر باشد (ناصر مکارم شیرازی، سایت، استفتائات، معاملات، قرض، احکام قرض، تورم و خسارت تأخیر، معیار محاسبه تورم).

^۴ : ناصر مکارم شیرازی، سایت، استفتائات، قرض، احکام قرض، تورم و خسارت تأخیر، محاسبه تورم در پرداخت دستمزد معوق و محاسبه نرخ تورم در مهریه علی‌رغم عدم

مطالبه قبلی زوجه

^۵ استفتائات آیت الله سیستانی، سوال ۳۴۷

^۶ - سید روح الله خمینی تحریر الوسیله، ج ۲، ص: ۱۳۳۰۰ فصل فی المهر؛ سید علی سیستانی منهاج الصالحین، ج ۳، ص: ۳۰۹۶

^۷ - سید روح الله خمینی تحریر الوسیله، ج ۲، ص: ۱۷۳۰۰ فصل فی المهر

^۸ تحریر الوسیله، جلد ۲، کتاب النکاح، فصل فی المهر، مساله ۱۴، منهاج الصالحین، آیت الله سیستانی، جلد ۳، مساله ۳۱۰

ب) موت موجب نصف شدن مهریه نیست؛ خواه زن قبل از شوهر بمیرد یا شوهر قبل از زن، ولی باید توجه داشت هنگامی که زن فوت کند، هر چند قبل از عروسی باشد، تمام مهریه به او تعلق می گیرد، اما نصف آن به عنوان ارث به شوهر برمی گردد. (آیت الله مکارم)^۱

۴.۵.۱۰. بخشش مهریه - ابراء مهریه - برگشتن از بخشش یا ابراء

نکته: بحث هبه و بحث ابراء تفصیلاتی دارند که هبه و ابراء مهریه مثل هبه و ابراء سایر دیون و اعیان و... در این مباحث باید پیگیری شوند. (به رهیافت دین و قرض بحث ابراء و کتاب هبه مراجعه شود).
چند نکته کلی: ۱- اگر مهریه دین بر ذمه شوهر باشد و زن آن را ابراء کند قابل برگشت نیست و حق مطالبه آن را ندارد.
۲- اگر مهریه عین خارجی باشد و زوجه آن را ببخشد (هبه کند) چند مطلب باید لحاظ شود: اولاً هبه شرایطی دارد از جمله قبض و...، ثانیاً: هبه قابل برگشت است مگر در چند مورد که هبه لازم می شود که از مباحث مهم بحث هبه است و به کتاب هبه مراجعه شود.

۴.۵.۱۱. پول یا اشیائی که داماد جهت جهیزیه داده اند

در بعضی شهرها جهیزیه با مشارکت دو خانواده خریده میشود و خرید چند کالای اساسی به عهده داماد گذاشته می شود چنانچه جدایی به طلاق یا فوت حاصل شود تکلیف کالاها چیست؟^۲
پول یا اشیائی که داماد داده اگر جزء مهریه است نمی تواند پس بگیرد، و اگر از مهریه نیست تا عین آن باقی است پس گرفتن آن إشکال ندارد؛ البته اگر وسائل به زن هبه شده باید طبق قواعد باب هبه عمل شود. (حضرت امام و آیه الله مکارم)

۴.۵.۱۲. شیربها

آیا گرفتن شیر بها جایز است؟
اگر شیر بها در مقابل عملی مشروع مثل سعی در ازدواج، یا با رضایت باشد حلال است ولی اگر دادن آن بدون رضایت شوهر و فقط به این جهت باشد که دختر را خلاص نماید، گرفتن و خوردن آن حرام است و برای شوهر جایز است که در آن رجوع کند اگر چه تلف شده باشد. (حضرت امام، آیت الله سیستانی).^۳

^۱ <https://makarem.ir/main.aspx?typeinfo=۲۱&lid=.&catid=.&mid=۲۶۳۸۵۰>

^۲ - سید روح الله خمینی استفتاءات، ج ۳، ص: ۱۹۳؛ ناصر مکارم شیرازی استفتاءات جدید، ج ۲، ص: ۳۳۶ و ۹۷۷

<https://makarem.ir/main.aspx?typeinfo=۲۶۳۹۱۶&mid=.&catid=.&lid=۲۱>

^۳ استفتاءات امام، جلد ۳، احکام ازدواج، احکام مهریه، شیربها، سوال ۳۸، منهاج الصالحین، آیت الله سیستانی، جلد ۳، مساله ۳۰۱

در صورتی که مهریه و شیربها را دختر به صورت مهریه از شوهر بگیرد و مقداری از آن را صرف تهیه جهیزیه نماید و اضافی آن را به هر کس بدهد جایز است. (آیت الله مکارم)^۱

۵. متن صیغه عقد دائم در حالت های مختلف

نکته: در موارد مذکور فقط یک یا دو نمونه ذکر می شود و عقد به چندین شکل صحیح دیگر نیز اجرا می شود.

توسط خود زوجین

زن بعد از تعیین مهریه به مرد میگوید: «زَوَّجْتُكَ نَفْسِي عَلَى الْمَهْرِ الْمَعْلُومِ» پس مرد بدون فاصله زیاد میگوید: «قَبِلْتُ التَّزْوِيجَ عَلَى الْمَهْرِ الْمَعْلُومِ»

زن: (خود را به همسری تو درآوردم به مهری که معین شده) - مرد: (قبول کردم این ازدواج را به مهری که معین شده)

دو نفر به وکالت از زوجین (چنانچه مثلاً اسم مرد «احمد» و اسم زن «فاطمه» باشد)

وکیل زن: زَوَّجْتُ مُوَكَّلَتِي فَاطِمَةَ مُوَكَّلَكَ أَحْمَدَ عَلَى الْمَهْرِ الْمَعْلُومِ

وکیل مرد: قَبِلْتُ التَّزْوِيجَ لِمُوَكَّلِي أَحْمَدَ عَلَى الْمَهْرِ الْمَعْلُومِ

یک نفر به وکالت از زوجین: ابتدا به وکالت از زن میگوید: «زَوَّجْتُ مُوَكَّلَتِي فَاطِمَةَ مُوَكَّلِي أَحْمَدَ عَلَى الْمَهْرِ الْمَعْلُومِ» سپس به وکالت از مرد بگوید: «قَبِلْتُ التَّزْوِيجَ لِمُوَكَّلِي أَحْمَدَ عَلَى الْمَهْرِ الْمَعْلُومِ»

ایجاب و قبول توسط زوج

اگر مردی بخواهد زنی را به عقد خودش در بیاورد

ابتدا به وکالت از خودش می گوید: «زَوَّجْتُ مُوَكَّلَتِي فَاطِمَةَ لِنَفْسِي عَلَى الْمَهْرِ الْمَعْلُومِ» سپس میگوید: «» قَبِلْتُ التَّزْوِيجَ لِنَفْسِي عَلَى الْمَهْرِ الْمَعْلُومِ»

ایجاب و قبول توسط زوجه

اگر زن بخواهد خودش را به عقد مردی در بیاورد و بوکالت از مرد قبول کند

زن: «زَوَّجْتُ مُوَكَّلِي أَحْمَدَ نَفْسِي عَلَى الْمَهْرِ الْمَعْلُومِ» سپس بوکالت از مرد بگوید «قَبِلْتُ التَّزْوِيجَ لِمُوَكَّلِي أَحْمَدَ عَلَى الْمَهْرِ الْمَعْلُومِ»

«الْمَعْلُومِ»

ایجاب توسط زوجه و قبول توسط وکیل مرد

اگر زن بخواهد خودش مباشرتاً خودش را به عقد مردی در آورد ولی از طرف مرد وکیل عقد را قبول کند:

^۱ - ناصر مکارم شیرازی

زن می گوید: زوّجت نفسی من موکّک علی المهر المعلوم. سپس وکیل مرد می گوید: قبلت النکاح لموکلّی علی المهر المعلوم.

ایجاب توسط وکیل زوجه و قبول توسط زوج

اگر عاقد وکیل از طرف زن باشد و مرد خودش بخواهد عقد را قبول کند:
وکیل زوجه به زوج میگوید: زوّجتک موکّلتی علی المهر المعلوم. سپس زوج میگوید: قبلت التزویج علی المهر المعلوم.

۱.۵. مهر- (صداق یا صداق)

نکته: ۱- مهر به فتحه صحیح است و به کسره فارسی می شود به معنی محبت.
۲- کلمه (صداق) در فرهنگ عرب به پنج وجه تلفظ شده که بیشتر آن به فتحه صاد است (صداق) و بعد از آن بیشتر به کسره صاد تلفظ شده (صداق). «المصباح المنیر، النص، ص: ۳۳۵ (صدق)»
صداق المرأة و صداقها و صدقتها: ما تعطی من مهرها. «مفردات الفاظ القرآن، ص: ۴۸۱»

فصل سوم (شروط ضمن عقد، فسخ عقد)

۱. شروط ضمن عقد و احکام مرتبط با آن

شروطی که در ضمن عقد نکاح مطرح می شوند عبارتند از:

۱.۱. شروطی که مخالف با مقتضای عقد هستند؛

مانند اینکه خانم شرط کند در عقد موقت، همسرش حق هیچگونه استمتاعی نداشته باشد، در این صورت شرط و عقد باطل است. (آیت الله سیستانی)^۱.

در بعضی از موارد می توان از طریق شرطی حق همسر را محدود کرد، مانند حق سکنی و امثال آن، اما در مواردی که شرط بر خلاف کتاب و سنت یا مقتضای عقد باشد جایز نیست، خلاصه موارد مختلف است. (آیت الله مکارم)^۲

^۱ منهاج الصالحین، آیت الله سیستانی، جلد ۳، مساله ۳۳۱

^۲ <https://makarem.ir/main.aspx?typeinfo=۲۱&lid=۰&catid=۸۴۴&mid=۲۶۳۷۳۳>

۲.۱. شروطی که مخالف شرع هستند (نه مخالف مقتضای عقد)

شروطی که مخالف شرع می‌باشند؛ مانند اینکه زن شرط کند هر موقع دوست داشت بدون اجازه شوهر از منزل خارج شود، و یا حق هووی او را از هم‌خوابی بجا نیاورد، و همچنین است اگر شرط کند که روی او زنی نگیرد، شرط باطل است، ولی عقد را باطل نمی‌کند. (حضرت امام)^۱

شروطی که مخالف شرع می‌باشند؛ مانند اینکه زن شرط کند امر طلاق و جماع به دست زن باشد و یا حق هووی او را از هم‌خوابی و نفقه بجا نیاورد و یا مانند آن، این شرط باطل است، ولی عقد را باطل نمی‌کند. (آیت الله سیستانی)^۲

در بعضی از موارد می‌توان از طریق شرطی حق همسر را محدود کرد، مانند حق سکنی و امثال آن، اما در مواردی که شرط بر خلاف کتاب و سنت یا مقتضای عقد باشد جایز نیست، خلاصه موارد مختلف است. (آیت الله مکارم)^۳

۳.۱. شروطی که مخالف شرع و مقتضای عقد نیستند (شروط جایز)

جایز است هر چیز جایزی در ضمن عقد ازدواج شرط شود و وفاء به شرط واجب است و ترک آن گناه دارد ولی در صورت تخلف عقد باطل نمی‌شود و حق فسخ هم برای مشروط له نمی‌باشد مگر اینکه شرط وجود صفتی باشد (مثل بکارت زن یا هاشمی بودن مرد و...) و خلافش ثابت شود که خیار فسخ می‌آورد. (حضرت امام، آیت الله سیستانی)^۴

۴.۱. شروط مبنی علیها العقد

چنانچه مردی قبل از جاری شدن صیغه ی عقد و به هنگام گفتگوهای مقدماتی ازدواج شروطی را گذاشته و توافق کرده، امضا نموده اند مثل این که زن (با دارایی و عدم دارایی شوهر زندگی نماید یا قبل از سامان گرفتن زندگی دختر مهریه را مطالبه نماید) اما این شروط در قباله ی نکاح ذکر نشده است، آیا این شروط اعتبار دارد و لازم است طرفین به آن عمل نمایند؟ هرگاه قبلاً توافق بر شروطی شده و طرفین آن را امضا کرده اند، سپس عقد خوانده شده، این شروط لازم الاجرا است. و به اصطلاح فقهی از قبیل شروط مبنی علیها العقد است. (آیت الله مکارم)^۵

^۱ تحریر الوسیله، جلد ۲، خاتمه فی شروط المذكورة فی عقد النکاح، مساله ۲

^۲ منهاج الصالحین، آیت الله سیستانی، جلد ۳، مساله ۳۳۱

^۳ <https://makarem.ir/main.aspx?typeinfo=۲۱&lid=۰&catid=۸۴۴&mid=۲۶۳۷۳۳>

^۴ تحریر الوسیله، جلد ۲، خاتمه فی شروط المذكورة فی عقد النکاح، مساله ۱، منهاج الصالحین، آیت الله سیستانی، جلد ۳، مساله ۳۳۳

^۵ <https://makarem.ir/main.aspx?typeinfo=۲۱&lid=۰&catid=۰&mid=۲۶۳۷۱۹>

شرط (عدم تزویج، حق سکنی، عدم دخول، وکالت در طلاق و...)

الف: شرط اینکه مرد زن دیگری نگیرد

اگر در ضمن عقد شرط کند که شوهر زن دیگر بر او نگیرد، حکم چیست؟

این شرط باطل است، ولی عقد را باطل نمی کند. (حضرت امام)^۱

چنین شرطی جایز نیست ولی زن می تواند شرط کند اگر مرد ازدواج مجدد کرد وکالت در طلاق داشته باشد و مردان

هم باید در اینگونه موارد رعایت حال همسران خود را بکنند. (آیت الله مکارم)^۲

اگر زوجه بر شوهر در ضمن عقد ازدواج و یا غیر آن شرط کند که زن دیگری بر او نگیرد شرط صحیح است و عمل

شوهر به شرط لازم است ولی اگر ازدواج کرد ازدواجش صحیح است هر چند گناهکار است. (آیت الله سیستانی)^۳

ب: شرط اینکه زن از طرف مرد وکیل در طلاق باشد

آیا زن در ضمن عقد ازدواج می تواند شرط کند که از طرف زوج وکیل در طلاق، خودش باشد؟^۴

زوجه می تواند شرط کند که از طرف زوج وکیل در طلاق دادن خودش باشد، یا به طور مطلق و یا در برخی حالات

خاص مثل سفر طولانی یا نفقه ندادن و... و این وکالت قابل عزل نیست پس اگر زن خودش را طلاق دهد طلاقش صحیح

است. (آیه الله سیستانی)

مرد می تواند زن را وکیل کند که از طرف او خودش را طلاق بدهد، و در صورتی که به نحو شرط نتیجه شرط شده که

زن وکیل باشد این وکالت قابل عزل نیست. (شرط «نتیجه» در مورد سؤال، آن است که زن ازدواج را به این شرط انجام دهد

که در طلاق وکیل باشد ولی شرط «فعل» آن است که در ازدواج شرط کند که شوهر به او وکالت در طلاق بدهد.) (حضرت

امام)

قرار دادن وکالت در طلاق دادن از طرف مرد برای خود زن یا فرد ثالث در عقد ازدواج اشکال ندارد، بعداً نیز می توان آن

را در ضمن معامله دیگری، هر چند بعد از ازدواج باشد، قرار داد. (آیه الله مکارم)

ج: شرط عدم دخول^۵

^۱ تحریر الوسیله، جلد ۲، خاتمه فی شروط المذکوره فی عقد النکاح، مساله ۲

^۲ <https://makarem.ir/main.aspx?typeinfo=۲۱&lid=۰&catid=۸۴۴&mid=۲۶۳۶۸۲>

^۳ منهاج الصالحین، آیت الله سیستانی، جلد ۳، مساله ۳۳۳

^۴ استفتانات حضرت امام، جلد ۳، صفحه ۱۰۵، احکام طلاق، سوال ۶۷: منهاج الصالحین، آیت الله سیستانی، جلد ۳، مساله ۳۳۵

^۵ <https://makarem.ir/main.aspx?typeinfo=۲۱&lid=۰&catid=۸۴۴&mid=۲۶۳۷۳۲>

^۵ تحریر الوسیله، جلد ۲، خاتمه فی شروط المذکوره فی عقد النکاح، مساله ۳، منهاج الصالحین، آیت الله سیستانی، جلد ۳،

مساله ۳۳۵: <https://makarem.ir/main.aspx?typeinfo=۲۱&lid=۰&catid=۸۴۴&mid=۲۶۳۶۹۱>

اگر شرط شود که بکارت او را از بین نبرد شرط لازم می‌شود، و اگر بعد از آن اذن دهد جایز است و فرقی بین ازدواج دائم و منقطع نیست. (حضرت امام)

اگر زن در عقد شرط کند که با او دخول نکند یا بکارتش را از بین نبرد شرط لازم می‌شود حتی در عقد دائم پس اگر مخالف شرط عمل کند گناه کرده ولی حکم زنا را ندارد و اگر زن بعدا اجازه دهد اشکالی ندارد. (آیه الله سیستانی)

در ازدواج دائم اشکال دارد و احتیاط واجب در ترک چنین شرطی (از طرفین) است، در هر صورت عقد صحیح است. (آیت الله مکارم)

د: شرط سکونت در مکان خاصی

اگر شرط کند که زن را از شهرش خارج نکند یا در شهر معلومی یا در منزل مخصوصی اسکان دهد شرط لازم می‌شود. (حضرت امام، آیت الله سیستانی، آیت الله مکارم).^۱

۲. فسخ عقد و احکام مرتبط با آن

۱.۲. معنای فسخ عقد و چگونگی انجام آن

معنای فسخ این است که بگوید من عقد را فسخ کردم یا به هم زدم و به هر زبانی باشد کافی است. (آیه الله مکارم)^۲

۲.۲. عیوبی که موجب فسخ ازدواج می‌شود

۱.۲.۲. عیوب زنان؛^۳

اگر مرد بعد از عقد بفهمد که زن یکی از این هفت عیب را دارد، می‌تواند عقد را بهم بزند؛

۱- دیوانگی

۲- مرض خوره (جذام)

۳- مرض برص (پیشی)

۴- کوری

۵- قَرَن: آنکه گوشت یا استخوان یا غده‌ای در فرج او باشد...

^۱ تحریر الوسیله، جلد ۲، خاتمة فی شروط المذکورة فی عقد النکاح، مساله ۴، منهج الصالحین، آیت الله سیستانی، جلد ۳، مساله ۳۳۶.

^۲ <https://makarem.ir/main.aspx?typeinfo=۲۱&lid=۰&catid=۸۴۴&mid=۲۶۳۷۳۳>

^۳ ناصر مکارم شیرازی، سایت، استفتاءات، ازدواج و طلاق، ازدواج و زناشویی، عیوب فسخ نکاح، شرط باکره بودن دختر

^۴ رساله مراجع، جلد ۲، مساله ۲۳۸۰

۶- شل بودن ...

۷- افضاء. (حضرت امام، آیت الله مکارم)

در اینکه به سبب افضاء بتواند عقد را به هم بزند اشکال است. (آیت الله سیستانی)

نکته: وقتی عقد با عیبهای زن فسخ می‌شود که معلوم شود قبل از عقد وجود داشته‌اند اما آنچه که بعد از عقد پیدا

می‌شود اعتبار ندارد، چه قبل از وطی باشد یا بعد از آن. (حضرت امام، آیه الله سیستانی)^۱

۲.۲.۲. عیوب مردان؛

۱- جنون (دیوانگی) - ۲- جَبَ (نداشتن آلت مردی) - ۳- عَنَن (قدرت بر نزدیکی نداشته باشد) ۴- خَصَاء (تخم‌های او را کشیده باشند).

۱- جنون:

اگر زن بعد از عقد بفهمد شوهر او دیوانه است، آیا حق فسخ عقد را دارد؟

وجود این عیب در مرد مطلقاً (چه قبل از عقد باشد، یا بعد از عقد بوجود آمده باشد) موجب خیار فسخ برای زن می‌شود. (حضرت امام)^۲.

اگر زن بعد از عقد بفهمد که شوهرش پیش از عقد دیوانه بوده است یا این که پس از عقد خواه بعد از نزدیکی یا قبل از آن دیوانه شود، احتیاط واجب آن است که زن عقد را بهم نزند و اگر چنین کرد احتیاط واجب آن است که اگر بخواهند به زندگی زناشویی ادامه دهند دوباره عقد کنند و اگر بخواهند جدا شوند طلاق داده شود. (آیت الله سیستانی)^۳

اگر زن بعد از عقد بفهمد که شوهر او دیوانه است می‌تواند عقد را به هم بزند. (آیه الله مکارم)^۴

منظور از جنون تا چه حدیست؟

جنون امری عرفی است و در بعضی از روایات آمده کسی که اوقات نماز را تشخیص ندهد مثلاً نداند وقت نماز ظهر

رسیده یا مغرب و عشاء حکم مجنون را دارد. البته این یک مثال است (آیت الله مکارم)^۵

۲- جَبَ:

یعنی قطع شدن آلت مردانگی بطوریکه قادر بر دخول نباشد.

آیا این عیب در مردان حق فسخ را برای زن ثابت می‌کند؟

^۱ تحریر الوسیله، حضرت امام، جلد ۲، کتاب النکاح، القول فی العیوب الموجبه لخیار الفسخ والتدلیس، م ۱؛ منهاج الصالحین، آیت الله سیستانی، جلد ۳، مساله ۲۶۴

^۲ تحریر الوسیله، حضرت امام، جلد ۲، کتاب النکاح، القول فی العیوب الموجبه لخیار الفسخ والتدلیس،

^۳ رساله مراجع، جلد ۲، مساله ۲۳۸۱

^۴ رساله مراجع، جلد ۲، مساله ۲۳۸۱

^۵ <https://makarem.ir/main.aspx?typeinfo=۲۱&lid=۰&catid=۵۲۱&mid=۲۶۲۸۷۶>

این عیب از عیوبی است که زن حق خیار فسخ دارد. (آیت الله مکارم)^۱

«جب» و آن قطع شدن آلت رجولی است به شرطی که چیزی از آن باقی نمانده باشد که وطی با آن ممکن باشد و لو به قدر حشفه باشد. و در موردی که این چنین باشد و جلوتر از عقد هم بوده باشد، زن می‌تواند آن را فسخ نماید. و اما اگر بعد از عقد باشد مطلقاً خیار فسخ ندارد. (حضرت امام)^۲

اگر زن بعد از عقد بفهمد که شوهر او آلت مردی نداشته، یا بعد از عقد پیش از نزدیکی یا پس از آن آلت او بریده شود در تمام این موارد، بی‌طلاق می‌تواند عقد را به هم بزند. (آیت الله سیستانی)^۳

۳- عنن:

بیماری و مرضی است که مانع نعوظ (برخاستن آلت مردانگی) می‌شود.

عنن در چه صورتی حق فسخ برای زن می‌آورد؟

«عنن» و آن بیماری و مرضی است که مانع برخاستن آلت رجولیت می‌شود، به طوری که از دخول کردن عاجز باشد؛ پس در صورتی که مطلقاً از وطی او عاجز باشد، زن می‌تواند فسخ نماید به جهت عنن خیار فسخ ثابت می‌شود چه قبل از عقد باشد یا بعد از آن پیدا شود؛ لیکن به شرطی که وطی او و لو یک مرتبه حتی در دبر از او واقع نشده باشد. ولی اگر با او نزدیکی کند و پس از آن عنن پیدا شود به طوری که به طور کلی بر مقاربت قدرت نداشته باشد خیار فسخی برای زن نیست. (حضرت امام)^۴

اگر زن بعد از عقد بفهمد که شوهر او مرضی دارد که نمی‌تواند نزدیکی نماید، هر چند آن مرض بعد از عقد و پیش از نزدیکی یا پس از آن عارض شده باشد، بی‌طلاق می‌تواند عقد را به هم بزند. به جهت عنن خیار فسخ ثابت می‌شود چه قبل از عقد باشد یا بعد از آن پیدا شود؛ لیکن به شرطی که وطی او و لو یک مرتبه حتی در دبر از او واقع نشده باشد. ولی اگر با او نزدیکی کند و پس از آن عنن پیدا شود به طوری که به طور کلی بر مقاربت قدرت نداشته باشد باز هم زن خیار فسخ دارد ولی شایسته است که احتیاط ترک نشود به اینکه اگر فسخ را اختیار کرد طلاق جاری شود؛ و در صورتی که زن بخواهد در مورد عنن خیار فسخ را اعمال کند لازم است که اول رجوع به حاکم شرع یا وکیل او نماید و حاکم، شوهر را یک سال مهلت می‌دهد و چنانچه شوهر نتوانست به آن زن یا زنی دیگر نزدیکی کند پس از آن، زن می‌تواند عقد را به هم بزند. (آیت الله سیستانی)^۵

^۱ تحریر الوسیله، جلد ۲، کتاب النکاح، القول فی العیوب الموجبه لخیار الفسخ والتدلیس، منهاج الصالحین، آیت الله سیستانی، جلد ۳، مساله ۲۶۶.

<https://makarem.ir/main.aspx?typeinfo=۲۱&lid=-&catid=۵۲۱&mid=۲۶۲۸۴۳>

^۲ تحریر الوسیله، جلد ۲، کتاب النکاح، القول فی العیوب الموجبه لخیار الفسخ والتدلیس

^۳ رساله مراجع، جلد ۲، مساله ۲۳۸۱، منهاج الصالحین، آیت الله سیستانی، جلد ۳، مساله ۲۶۶

^۴ تحریر الوسیله، جلد ۲، کتاب النکاح، القول فی العیوب الموجبه لخیار الفسخ والتدلیس

^۵ منهاج الصالحین، آیت الله سیستانی، جلد ۳، مساله ۲۶۷ و ۲۶۶؛ رساله مراجع، جلد ۲، مساله ۲۳۸۱

زن باید به حاکم شرع مراجعه کند و حاکم یک سال به مرد مهلت می دهد اگر درمان شد ازدواج باقی است، در غیر این صورت زن می تواند نکاح را فسخ کند و احتیاج به طلاق نیست و به فرض که مرد بعد از آن هم خوب شود قابل بازگشت نیست مگر به صورت ازدواج جدید. (آیت الله مکارم)^۱

۴- خُصَاء

یعنی اخته بودن، چه به کشیدن تخمها باشد و یا با کوبیدن آنها در صورتی که قبل از عقد باشد و زن آن را نمی دانسته، زن حق فسخ دارد. (حضرت امام)^۲

در صورتی که بیضه های او را کشیده باشند زن حق فسخ دارد (البته تفصیلاتی دارد). (آیت الله مکارم)^۳
اگر زن بعد از عقد بفهمد که شوهرش در هنگام عقد تخمه هایش کشیده یا کوبیده شده بوده است احتیاط واجب آن است که زن عقد را بهم نزند و اگر چنین کرد احتیاط واجب آن است که اگر بخواهند به زندگی زناشویی ادامه دهند دوباره عقد کنند و اگر بخواهند جدا شوند طلاق داده شود. (آیت الله سیستانی)^۴

۳.۲.۲. عیوب متفرقه (عقیم بودن، جذام، پیسی، خوره، کوری)

عقیم بودن

آیا عقیم بودن و بچه دار نشدن از عیوب موجب فسخ است؟

پاسخ: خیر، موجب خیار فسخ نمی شود نه از طرف زن و نه از طرف مرد. (حضرت امام، آیت الله سیستانی)^۵

(جذام، پیسی، خوره، کوری) مرد

جذام و پیسی از عیوب زن، فقط برای مرد حق فسخ می آورد ولی اگر در مرد وجود داشته باشد برای زن موجب خیار نیست. (حضرت امام)^۶

اگر زن بعد از عقد بفهمد که شوهرش در هنگام عقد مرض خوره یا برص یا کوری داشته است، احتیاط واجب آن است که زن عقد را بهم نزند و اگر چنین کرد احتیاط واجب آن است که اگر بخواهند به زندگی زناشویی ادامه دهند دوباره عقد کنند و اگر بخواهند جدا شوند طلاق داده شود. (آیت الله سیستانی)^۷

^۱ <https://makarem.ir/main.aspx?typeinfo=۲۱&lid=.&catid=۵۲۱&mid=۲۶۲۸۵۷>

^۲ تحریر الوسیله، جلد ۲، کتاب النکاح، القول فی العیوب الموجبه لخیار الفسخ والتدلیس

^۳ رساله آیت الله مکارم، مساله ۳۹۲

^۴ منهاج الصالحین، آیت الله سیستانی، جلد ۳، مساله ۲۶۸

^۵ تحریر الوسیله، جلد ۲، کتاب النکاح، القول فی العیوب الموجبه لخیار الفسخ والتدلیس، مساله ۲، منهاج الصالحین، آیت الله سیستانی، جلد ۳، مساله ۲۶۹

^۶ تحریر الوسیله، جلد ۲، کتاب النکاح، القول فی العیوب الموجبه لخیار الفسخ والتدلیس، مساله ۳

^۷ رساله مراجع، جلد ۲، مساله ۲۳۸۱

۴.۲.۲. تدلیس و خيار فسخ (فريب-عدم بکارت و...)

تدلیس که موجب خيار فسخ نکاح است را توضیح دهید؟

تدلیس در مطلق نقصها مانند یک چشم بودن و مانند آن به مخفی نمودن آن تحقق پیدا می کند و همچنین در صفات کمال مانند شرف و حسب و نسب و جمال و بکارت و غیر اینها، به اینکه اینها را توصیف کند با اینکه فاقد آنها می باشد، پس آن موجب خيار فسخ است در صورتی که نداشتن نقص یا وجود صفت کمال در عقد به طور اشتراط ذکر شده باشند و توصیف زن را به آن در عقد ملحق به آن است اگر چه به صورت و عبارت شرط کردن نباشد. کما اینکه اگر بگوید: «زوجتک هذه الباکرة او غير الثیبة» بلکه ظاهر آن است که اگر آن را به صفت کمال یا نداشتن نقص قبل از عقد در وقت خواستگاری و گفتگو، توصیف نماید سپس ازدواج را بر اساس آنچه که ذکر شده واقع سازد به منزله شرط کردن می باشد پس موجب خيار است. و اگر بعد از عقد و بعد از دخول، روشن شود و فسخ را اختیار نماید و مهر را پرداخت کند به مدّس (تدلیس کننده) رجوع می کند البته اگر خبر دادن برای ازدواج نباشد، یا خبر دادن به غیر شوهر باشد، تدلیس محقق نمی شود. (حضرت امام)^۱.

در صورتی که زن هنگام ازدواج نزد شوهر به صحت و سلامتی از عیب توصیف شود و این توصیف همراه با علم داشتن به آن عیب باشد، به گونه ای که آن سبب فريب خوردن شوهر شود و اقدام به عقد نماید تدلیس محقق می شود ولی اگر خبر دادن برای ازدواج نباشد، یا خبر دادن به غیر شوهر باشد، تدلیس محقق نمی شود همچنین اگر زوجه یا ولی در مقابل عیوب یا فقد صفات کمال سکوت کنند و زوج به خیال اینکه عیوب را ندارد یا دارای صفات است ازدواج کند، تدلیس محسوب می شود. (آیت الله سیستانی)^۲

اگر شوهر در عقد شرط کند که زن باکره باشد و بعد از عقد معلوم شود او باکره نبوده، آیا مرد حق

فسخ دارد؟

پاسخ: بله، می تواند عقد را فسخ کند. (حضرت امام، آیات عظام سیستانی و مکارم)^۳.

نکته: در فرض بالا، اگر شوهر عقد را به هم نزنند یا شرط نکرده باشد ولی به اعتقاد بکارت ازدواج کرده باشد می تواند با ملاحظه نسبت تفاوت بین مهر المثل باکره و غیر باکره از مهری که قرار داده اند کم کند، و اگر داده است پس بگیرد، مثلاً اگر مهر او ۱۰۰ باشد و مهر زنی مانند او اگر باکره باشد ۸۰ و اگر باکره نباشد ۶۰ باشد، که تفاوت ۱۴ باشد، از ۱۰۰ که مهر اوست کم می شود. (حضرت امام، آیت الله سیستانی)^۴

^۱ تحریر الوسیله، جلد ۲، کتاب النکاح، القول فی العیوب الموجبة لخيار الفسخ والتدلیس، مساله ۱۱

^۲ منهاج الصالحین، آیت الله سیستانی، جلد ۳، مساله ۲۷۹

^۳ رساله مراجع، جلد ۲، مساله ۳۴۴

^۴ تحریر الوسیله، جلد ۲، کتاب النکاح، القول فی العیوب الموجبة لخيار الفسخ والتدلیس، مساله ۱۶، رساله مراجع، جلد ۲، مساله ۳۴۴

۱.۳.۲ احکام فسخ

۱.۳.۲.۱ عدم نیاز به طلاق

در موارد فسخ آیا نیاز به طلاق هم هست؟

باید بدون طلاق از هم جدا شوند. (حضرت امام، آیه الله مکارم)^۱

نکته: آیه الله سیستانی در این مورد تفصیل قائل هستند و در برخی از موارد لازم می دانند که در صورت انجام فسخ برای زندگی عقد و برای جدایی طلاق داده شود که در موارد قبل برای هر عیب جداگانه بیان شد.

۲.۳.۲ رجوع به حاکم جهت فسخ

آیا در فسخ به عیوب، نیاز است به حاکم رجوع شود؟

در هیچکدام از عیوب مذکوره (غیر از عنن) برای فسخ (چه از ناحیه زن باشد یا مرد) نیازی به رجوع به حاکم نیست، بلکه کسی که حق خیار برای اوست خودش می تواند عقد نکاح را فسخ کند و در عین، لازم است زن و مرد به حاکم رجوع کنند برای تعیین مدت. (زیرا از وظائف حاکم است که در فرض مذکور به مدت یکسال به آنها مهلت دهد، اگر در این مدت مرد توانست نزدیکی کند زن حق فسخ ندارد، (حتی با زن دیگری غیر از همسرش) و الا پس از یک سال زن حق فسخ دارد. (حضرت امام، آیت الله سیستانی)^۲.

۳.۳.۲ رعایت شرایط طلاق برای فسخ

آیا برای فسخ عقد نکاح، شرایط طلاق (از قبیل: طهر زن، حضور ۲ شاهد عادل و ...) لازم است؟

فسخ نمودن به جهت عیب، طلاق نیست چه از زوج واقع شود و چه از زوجه؛ پس احکام آن را ندارد مگر نصف نمودن مهر در فسخی که به خاطر عنن می باشد و در آن شروط طلاق معتبر نمی باشد پس، از سه طلاق محرمه ای که محتاج به محلل است نمی باشد و خالی بودن از حیض و نفاس و حضور دو عادل در آن (نیز) معتبر نمی باشد. (حضرت امام، آیت الله سیستانی)^۳

^۱ رساله مراجع، جلد ۲، مساله ۲۳۸۲ و ۲۳۸۱

^۲ تحریر الوسیله، جلد ۲، کتاب النکاح، القول فی العیوب الموجبه لخیار الفسخ والتدلیس، مساله ۸؛ منهاج الصالحین، آیت الله سیستانی، جلد ۳، مساله ۲۷۵

^۳ تحریر الوسیله، جلد ۲، کتاب النکاح، القول فی العیوب الموجبه لخیار الفسخ والتدلیس، مساله ۷، منهاج الصالحین، آیت الله سیستانی، جلد ۳، مساله ۲۷۷

۴.۳.۲. فوری بودن فسخ

آیا فسخ در عیوب فوری می‌باشد؟

بعد از علم به عیب، فوری است البته جهل به خیار و یا جهل به فوریت عذر است پس اگر بخاطر نداشتن یکی از این دو امر مبادرت به فسخ نکرده باشد، خیار ساقط نمی‌شود. (حضرت امام)^۱

ظاهر این است که فوریت عرفی در اخذ به خیار معتبر است به این معنا که بیشتر از زمان متعارف تاخیر نکند، پس اگر خیار را به تاخیر بیندازد تا با کسی در مورد فسخ و یا عدم فسخ مشورت کند و یا غیر این مورد، اگر به حدی که سستی در اعمال خیار باشد، نرسد، خیار ساقط نمی‌شود و گرنه خیار ساقط می‌شود البته اعتبار فوریت از زمان علم به ثبوت عیب و ثبوت خیار است پس اگر جهل به عیب داشت و یا اینکه جهل به ثبوت خیار داشت و یا از آنها غافل بود و یا فراموش کرده بود، هر زمانی که دانست و یا متوجه شد با رعایت فوریت عرفیه فسخ عقد جایز است. (آیت الله سیستانی)^۲

۳. حکم مهریه در فسخ (تدلیس و غیر آن)

الف: فسخ به غیر تدلیس

اگر بواسطه آن که مرد عین است و نمی‌تواند وطی و نزدیکی کند، زن عقد را به هم بزند شوهر باید نصف مهر را بدهد. ولی اگر بواسطه یکی از عیبهای دیگری که گفته شد، مرد یا زن عقد را به هم بزنند، چنانچه مرد با زن نزدیکی نکرده باشد چیزی بر او نیست و اگر نزدیکی کرده، باید (مکارم: بنابر احتیاط واجب) تمام مهر را بدهد. (حضرت امام، آیات عظام سیستانی و مکارم)^۳

ب: فسخ به علت تدلیس

اگر قبل از دخول نکاح را فسخ کند، لازم نیست مهر را بپردازد ولی اگر بعد از دخول فسخ کند در صورتی که مدلس خود زن باشد، لازم نیست مهر را بپردازد و اگر پرداخته می‌تواند پس بگیرد ولی اگر مدلس غیر زن باشد، باید مهریه زن را کاملاً بپردازد و می‌تواند به مدلس رجوع کند. (حضرت امام، آیت الله سیستانی)^۴

^۱ تحریر الوسیله، جلد ۲، کتاب النکاح، القول فی العیوب الموجبه لخیار الفسخ والتدلیس، مساله ۴

^۲ منهاج الصالحین، آیت الله سیستانی، جلد ۳، مساله ۲۷۱

^۳ رساله مراجع، جلد ۲، مساله ۳۳۸۳

^۴ تحریر الوسیله، جلد ۲، کتاب النکاح، القول فی العیوب الموجبه لخیار الفسخ والتدلیس، مساله ۱۰؛ منهاج الصالحین، آیت الله سیستانی، جلد ۳، مساله ۲۷۱ و ۲۸۵

فصل چهارم: حقوق زوجین (در عقد دائم)

۱. حقوق مرد در عقد دائم

۱.۱. اذن گرفتن از شوهر برای خروج از خانه

آیا خانمی که عقد دائم مردی شده می تواند بدون اذن شوهرش از منزل خارج شود؟ زن نباید (مکارم: بنابر احتیاط واجب) بدون اجازه شوهرش از خانه بیرون رود [مگر در مواردی که استثنا شده و در ادامه می آید]. (حضرت امام، آیات عظام سیستانی و مکارم) ^۱.

۱.۱.۱. شرط ضمن عقد جهت خروج از منزل

اگر زن در ضمن عقد ازدواج شرط کرده باشد که مثلاً برای کار از خانه خارج شود، بدون اجازه شوهر می تواند از منزل خارج شود. (حضرت امام) ^۲

بطور کلی خروج زن از خانه باید با اجازه شوهر باشد مگر اینکه ضمن عقد شرط شده و یا عقد مبنی بر آن واقع شده باشد. (امام خامنه ای) ^۳

پرسش: آیا زن می تواند در موقع اجرای عقد نکاح با شوهر شرط کند که امر تدریس یا درس خواندن را همچنان ادامه دهد و در جلسات مختلف شرکت کند؟

پاسخ: در فرض سوال مانعی ندارد. (آیت الله مکارم) ^۴

۲.۱.۱. خروج بخاطر واجبات (حج، معاش، انتخابات، راهپیمایی و...)

در مورد انجام واجبات زنان بدون اجازه شوهر می توانند از منزل خارج شوند. (حضرت امام، امام خامنه ای، آیه الله سیستانی) ^۵

^۱ رساله مراجع، جلد ۲، مساله ۲۴۱۲- رساله آیت الله مکارم، مساله ۲۶۰۲

^۲ استفتائات حضرت امام، جلد ۳، احکام ازدواج، حقوق زوجیت، اذن شوهر در خروج از خانه، سوال ۱۶

^۳ سایت ادمین، شماره استفتاء ۳۲۱۰۲۸ :

^۴ <https://makarem.ir/main.aspx?typeinfo=۲۱&lid=۰&catid=۸۴۴&mid=۲۶۳۳۰>

^۵ سید محمد حسن بنی هاشمی خمینی توضیح المسائل (محشی - امام خمینی)، ج ۱، ص: ۶۹۵ با استفاده از ذیل م ۱۳۹۴ شرط پنجم؛ سید روح الله خمینی استفتاءات،

ج ۳، ص: ۱۴۹ س ۱۳؛ سایت ادمین، شماره استفتاء ۶۵۸۰۳۸ :

در مورد انجام واجبات (مانند حج واجب و صله رحم نسبت به پدر و مادر و برادر و خواهر و امثال آن به مقدار لازم) زنان بدون اجازه شوهر می توانند از منزل خارج شوند. (آیت الله مکارم)^۱

برای فراگرفتن احکام اسلام زنان بدون اجازه شوهر می توانند از منزل خارج شوند، مثل اینکه به مسجد بروند تا در آنجا احکام اسلامی را بشنوند. (آیت الله مکارم)^۲

شرکت در انتخابات منوط به اذن شوهر نیست. (امام خامنه ای)^۳

برای رأی دادن در انتخابات و یا شرکت در راهپیمایی های ضروری، زنان می توانند بدون اذن شوهر از منزل خارج شوند. (آیت الله مکارم)^۴

در مورد تهیه اجناس ضروری و لوازم منزل در صورتی که شوهر یا شخص دیگری برای آنها انجام ندهد، زنان بدون اجازه شوهر می توانند از منزل خارج شوند. (آیت الله مکارم)^۵

۳.۱.۱. خروج از خانه برای درمان^۶

زن برای درمان بدون اجازه شوهر می تواند از منزل خارج شود. (امام خامنه ای)
در مورد مراجعه به طبیب و هر آنچه مورد نیاز زن است و بدون آن گرفتار زحمت می شود مانعی ندارد از قبیل عیادت بیماری که عرفا باید از او عیادت کند و همچنین اگر از ماندن در خانه خسته شود و بخواهد بیرون رود تا روحیه اش تازه شود. (آیه الله مکارم)

۴.۱.۱. خروج از خانه پدر در زمان عقد

دردوران عقد که دختر هنوز در خانه پدر است و شوهر نفقه ای نمی دهد، آیا برای خروج از منزل اذن شوهر لازم است؟
[در دوران عقد] برای خارج شدن از منزل باید از شوهر اجازه بگیرد، مگر این که در متن عقد شرط شده باشد. (حضرت امام)^۷

تا زمانی که زن به خانه شوهر نرفته، برای خروج از منزل نیاز به اجازه شوهر ندارد. (امام خامنه ای)^۱

^۱ <https://makarem.ir/main.aspx?typeinfo=۲۱&lid=.&catid=.&mid=۲۶۳۷۹۸>

^۲ <https://makarem.ir/main.aspx?typeinfo=۲۱&lid=.&catid=.&mid=۲۶۳۷۹۸>

^۳ سایت ادمین، شماره استفتاء ۸۴۳۱۲۸ و شماره استفتاء ۶۳۴۰۴۹ :

^۴ <https://makarem.ir/main.aspx?typeinfo=۲۱&lid=.&catid=.&mid=۲۶۳۷۹۸>

^۵ <https://makarem.ir/main.aspx?typeinfo=۲۱&lid=.&catid=.&mid=۲۶۳۷۹۸>

^۶ <https://makarem.ir/main.aspx?typeinfo=۲۱&lid=.&catid=.&mid=۲۶۳۷۹۸>

سایت ادمین، شماره استفتاء ۹۲۱۳۲۶ :

^۷ استفتاءات (امام خمینی)، ج ۳، ص: ۱۴۶ حقوق زوجیت - س ۴ - و ج ۳، ص: ۱۲۳ اس ۱۱۶

مطابق آنچه در عرف معمول امروز است، تا زمانی که زن به خانه شوهر نیامده نه نفقه دارد و نه برای خروج از منزل از شوهر اجازه می گیرد، و این در واقع نوعی شرط ضمن عقد است. (آیت الله مکارم).^۲

اگر در شهری که زندگی می کنند، متعارف این است که دختر در این مدت اجازه نمی گیرد؛ در این صورت برای بیرون رفتن، اجازه او لازم نیست و در غیر این صورت، باید اجازه بگیرد. (آیت الله سیستانی)^۳

۵.۱.۱. لزوم اذن یا کفایت رضایت

آیا همین اندازه که زن بداند شوهرش برای بیرون رفتن از منزل راضی است کفایت می کند، یا این که باید از او اجازه بگیرد؟ (آیا اذن لازم است، یا رضایت کافی است؟)

رضایت شوهر کافی است، بنابراین هر گونه کردار و گفتاری که دلالت بر اجازه و رضایت شوهر داشته باشد، کفایت می کند (امام خامنه ای، آیت الله مکارم)^۴

۲.۱. تمکین جنسی

وظیفه زن نسبت به همسرش در امر استمتاع و لذت جنسی چیست؟

خانمی که که عقد دائم مردی شده باید خود را برای هر لذتی که او می خواهد، تسلیم نماید و بدون عذر شرعی از نزدیکی کردن او جلوگیری نکند. (حضرت امام)^۵

خانمی که که عقد دائم مردی شده باید خود را برای لذت‌های جنسی که حق همسر است هر وقت او می خواهد، تسلیم نماید و بدون عذر شرعی از نزدیکی کردن او جلوگیری نکند. (آیت الله سیستانی)^۶

خانمی که عقد دائم مردی شده باید بدون عذر شرعی از نزدیکی کردن او جلوگیری نکند. (آیت الله مکارم)^۷

۱.۲.۱. نزدیکی از پشت

نزدیکی کردن با زن از دُبر (پشت) چه حکمی دارد؟

اگر زن راضی باشد، حتی در زمان حیض هم حرام نیست هر چند کراهت شدید دارد. (حضرت امام)^۱

^۱ سایت ادمین، شماره استفتاء ۸۹۱۸۴۹ :

^۲ <https://makarem.ir/main.aspx?reader=۱&pid=۶۱۸۵۳&lid=۰&mid=۱۶۱۸۲>

^۳ پرسش ها و پاسخ های دانشجویی، سید مجتبی حسینی، جلد ۲۱، احکام ازدواج، صفحه ۵۱

^۴ سایت ادمین، شماره استفتاء ۸۵۵۱۴۶ :

^۵ رساله مراجع، جلد ۲، مساله ۲۴۱۲

^۶ رساله مراجع، جلد ۲، مساله ۲۴۱۲

^۷ رساله مراجع، جلد ۲، مساله ۲۴۱۲

نزدیکی از پشت کراهت شدید دارد و احتیاط در ترک آن است، مخصوصا اگر زن راضی نباشد و در صورتی که موجب اذیت او شود، حرام است. (امام خامنه ای)^۲

از این کار در زمان عادت ماهیانه پرهیز شود و در ایام دیگر، بدون رضایت زوجه حرام، و با رضایت وی کراهت شدید دارد، و بعضا منشا بیماری های گوناگونی می شود. و در صورتی که به اوج لذت جنسی نرسند، بنابر احتیاط واجب باید علاوه بر غسل جنابت برای نماز، وضو هم بگیرند. (آیت الله مکارم)^۳

از جهت حیض بودن در صورتی که زن راضی باشد، نزدیکی جایز است و در غیر حال حیض هم اگر زن راضی باشد، نزدیکی جایز است ولی اگر راضی نباشد احتیاط واجب ترک آن است. (آیت الله سیستانی)^۴.

آیا زن می تواند از نزدیکی در دُبُر (پشت) امتناع بورزد و تمکین نکند؟ به عبارت دیگر آیا این امتناع از مصادیق نشوز است؟

زن می تواند به این نوع رابطه تمکین نکند و شوهر نمی تواند همسر خود را به این کار وادار کند. (امام خامنه ای)^۵
مشکل است بگوئیم در این امر تمکین لازم است و با عدم اطاعت، زن ناشزه است، زیرا دلیلی بر وجوب تمکین نداریم. (حضرت امام، آیت الله مکارم)^۶

۲.۲.۱. مواردی که زن نسبت به تمکین عذر شرعی دارد

در برخی از موارد زن نسبت به تمکین جنسی مرد ممنوعیت یا محدودیت های شرعی دارد (مثل زمان: حیض، نفاس، استحاضه، روزه، حج، بیماری، عده، اعتکاف، حق حبس و...) که هر یک در محل خودش مورد بحث قرار گرفته است.

۳.۲.۱. تمکین در دوران عقد

مقدار رابطه با شوهر در دوران عقد چه قدر است؟

[در دوران عقد] تمام حقوق زوجیت ثابت است. (حضرت امام)^۷

^۱ تحریر الوسیله، ج ۱، غسل های واجب، احکام حیض، حرمة الوطی

^۲ شماره استفتاء: ۹۴۷۲۹۷ تاریخ استفتاء: ۱۵/۱۱/۱۳۹۷

^۳ <https://makarem.ir/main.aspx?typeinfo=۲۱&lid=۰&catid=۴۶۸۹۹&mid=۲۶۳۷۲۵>

^۴ منهاج الصالحین، آیت الله سیستانی، جلد ۱، مساله ۲۲۸

^۵ شماره استفتاء: ۹۲۰۱۶۰ تاریخ استفتاء: ۱۰/۰۸/۱۳۹۷

^۶ عروه الوثقی، جلد ۲، فصل فیما یتعلق باحکام الدخول علی الزوجه، مساله ۳

^۷ استفتاءات (امام خمینی)، ج ۳، ص: ۱۴۶ حقوق زوجیت-س ۴

پس از خوانده شدن عقد نکاح، هرگونه استمتاع بین زن و شوهر جایز است مگر آنکه با توافق طرفین (و یا به صورتی که عقد با مسلم دانستن آن خوانده شده باشد) یک نوع استمتاع خاص ممنوع و موکول به شب زفاف شده باشد که در این صورت مرد باید به شرط خود پایبند باشد و تمکین (به مقداری که شرط شده) بر زن واجب نیست (امام خامنه ای)^۱ در فرض سؤال بجز دخول بقیه کارها جایز است، مگر اینکه شرط خاصی ضمن عقد شده باشد. (آیت الله مکارم)^۲

۱.۳.۱. اطاعت از شوهر (در غیر از: اذن خروج و - تمکین جنسی)

اطاعت زن از شوهر مربوط به حقوق زناشویی و بیرون رفتن از منزل است و در کارهای دیگر اطاعت بر او واجب نیست، (مکارم: هرچند بهتر است که زن و مرد در تمام مسائل با هم تفاهم داشته باشند). (حضرت امام و امام خامنه ای و آیه الله مکارم)^۳

کارکردن زن در منزل:^۴

آیا کارکردن زن در منزل از قبیل نظافت، آشپزی و... جزء وظائف زن و از حقوق شوهر است؟
مرد حق ندارد زن خود را به خدمت خانه مجبور کند. (حضرت امام، آیت الله سیستانی)
زن وظیفه ندارد خدمت خانه را انجام دهد و غذا تهیه کند و نظافت و مانند آن را انجام دهد مگر به میل خود و اگر مرد او را مجبور بر این کارها نماید زن می تواند حق الزحمه خود را در برابر این کارها از او بگیرد. (آیت الله مکارم)

۲. حقوق زن در عقد دائم

۱.۲. نفقه

پرداخت نفقه بر شوهر واجب است و اگر تهیه نکند مدیون زن است و دین به عهده او باقی می ماند چه مرد توانایی پرداخت نفقه را داشته باشد و چه توانایی نداشته باشد. (مراجع عظام)^۵

^۱ سایت ادمین، شماره استفتاء - ۸۶۴۴۳۱ شماره استفتاء: ۹۰۵۴۶۷

^۲ <https://makarem.ir/main.aspx?typeinfo=۲۱&lid=۰&catid=۴۶۸۹۹&mid=۲۶۳۷۰۸>

^۳ - سید روح الله خمینی استفتاءات، ج ۳، ص: ۱۴۸ س ۸: ناصر مکارم شیرازی استفتاءات جدید، ج ۲، ص: ۳۳۴؛ سایت ادمین، شماره استفتاء: ۹۰۹۲۷۲ تاریخ

استفتاء: ۲۶/۰۶/۱۳۹۷

^۴ رساله مراجع، جلد ۲، مساله ۲۴۱۴

^۵ - سید محمد حسن بنی هاشمی خمینی توضیح المسائل (محشی - امام خمینی)، ج ۲، ص: ۲۴۱۲؛ سید علی سیستانی منهاج الصالحین ج ۳، ص: ۴۲۹؛ سید

علی خامنه ای شماره استفتاء: ۶۲۹۳۶۳؛ سید علی خامنه ای شماره استفتاء: ۷۵۷۸۱۲؛ سید علی خامنه ای شماره استفتاء: ۴۷۸۱۹۹

۲.۱.۱.۱. موارد نفقه

نفقه ای که بر شوهر واجب است شامل چه چیزهایی می شود؟^۱

نفقه عبارت است از غذا، لباس، مسکن، فرش، پرده، وسایل نظافت، و دیگر چیزهایی که به آن نیاز دارد در حدی که برای امثال زن متعارف است. (حضرت امام)

نفقه یعنی مخارج زندگی همسر از قبیل مسکن و لباس و غذای متعارف و متناسب با شأن زن و هزینه درمان های متعارف و نسبت به افراد مختلف متفاوت است. (امام خامنه ای)

قاعده کلی این است که به آنچه زن در زندگی احتیاج به آن دارد از قبیل ۱-خوراک ۲-پوشاک ۳-مسکن و ما یحتاج آن و غیراین موارد آنچه لایق به شان زن است با در نظر گرفتن حال شوهر. (آیه الله سیستانی)

۲.۱.۲. مخارج درمان

آیا همانطوری که مخارج متعارف درمان زن بر شوهر واجب است مخارج صعب العلاج هم بر زوج واجب است؟^۲
- چنانچه بیماری، بیماری معمولی و متعارف و هزینه های آن معمولی است بر مرد هزینه درمان زن واجب است ولی اگر بیماری، بیماری سخت و پرخرج و غیر متعارف است، هزینه درمان این بیماری ها بر عهده مرد نیست. (حضرت امام)
در صورتی که این هزینه ها برای مرد حرجی نباشد، بر عهده اوست (آیت الله سیستانی).
مداوا در حد متعارف جزء نفقه است. (امام خامنه ای و آیه الله مکارم)

۲.۱.۳. شرایط وجوب نفقه همسر

نفقه زوجه با چه شرایطی واجب می شود؟^۳

۱- ازدواج دائم باشد پس در موقت نفقه واجب نیست. ۲- زن ناشزه نباشد [توضیح آن در عناوین بعدی آمده]. ۳- در استحقاق زن نفقه را، فقر و احتیاجش شرط نمی باشد؛ پس زن بر شوهر حق نفقه دارد اگر چه بی نیاز باشد. (حضرت امام و امام خامنه ای و آیت الله سیستانی)

^۱ - سید روح الله خمینی تحریر الوسیله، ج ۲، ص: ۳۱۵ فصل فی النفقات؛ سید علی سیستانی منهاج الصالحین، ج ۳، ص: ۴۲۵ م ۴۲۰؛ سید علی خامنه ای شماره استفتاء: ۳۴۲۲۳۶ - شماره استفتاء: ۸۸۳۶۴۴ تاریخ استفتاء: ۲۵/۰۳/۱۳۹۷

^۲ - سید روح الله خمینی تحریر الوسیله، ج ۲، ص: ۳۱۵ فصل فی النفقات، م ۹؛ سید علی سیستانی منهاج الصالحین، ج ۳، ص: ۴۲۵ م ۴۲۱؛ ناصر مکارم شیرازی استفتاءات جدید، ج ۱، ص: ۸۴۷؛ سید علی خامنه ای سخ داده شده شماره استفتاء: ۸۰۱۵۱۷

^۳ - سید روح الله خمینی تحریر الوسیله، ج ۲، فصل فی النفقات م ۱۹؛ سید علی سیستانی منهاج الصالحین، ج ۳، ص: ۴۱۳ م ۴۱۳ و ۴۳۳؛ سید محمد حسن بنی هاشمی خمینی توضیح المسائل (محشی - امام خمینی)، ج ۲، ص: ۴۸۲ م ۲۴۲۳ و ۲۴۱۲؛ رهبری، ادمین، شماره استفتاء: ۴۴۳۳۶۴ - شماره استفتاء: ۸۸۳۱۲۴ تاریخ استفتاء: ۲۴/۰۳/۱۳۹۷

۴.۱.۲. نفقه دوران عقد

آیا نفقه ایام عقد بر شوهر واجب است؟^۱

در بعضی جاها رسم است که زن وقتی عقد می‌شود مدتی در خانه پدرش می‌ماند، و زوج گاهی استمتاعی را از زن می‌برد، لیکن زن از مقاربت ابا می‌کند، آیا در این صورت می‌تواند مطالبه نفقه هم بکند؟ ج- اگر متعارف است و عقد مبنی بر آن است حق نفقه دارد. (حضرت امام)

زوجه اگر تمکین داشته باشد، نفقه او بر زوج واجب است، هر چند او را به منزل خود نبرده باشد مگر آنکه عدم تمکین متعارف باشد و عقد مبنی بر آن واقع شده باشد در چنین صورتی هر چند تمکین نکند، نفقه ساقط نیست. (امام خامنه ای)^۲
اگر در شهری که زندگی می‌کنند، متعارف است که نفقه دختر را خانواده اش می‌دهد، بر عهده شوهر چیزی نیست در غیر این صورت پرداخت نفقه وظیفه شوهر است. (آیت الله سیستانی)^۳

طبق رسم و عادت که در محیط ما وجود دارد، دختر قبل از مراسم عروسی در خانه پدر زندگی می‌کند و در نتیجه نفقه بر عهده شوهر نیست (هر چند او بدهد) و در هر حال لازم نیست زوجه در کارهایش از شوهر اجازه بگیرد. (آیت الله مکارم)^۴

۵.۱.۲. ترتیب وجوب نفقه (خود مرد، زن، نزدیکان مرد)^۵

اگر مالی نداشته باشد که نفقه خود و زن و نزدیکان واجب النفقه اش را وفا نماید پس خود شوهر مقدم بر زنش می‌باشد و زن بر نزدیکانش مقدم است پس آنچه که از روزیش زیاد می‌آید برای زن مصرف می‌شود و به نزدیکان داده نمی‌شود مگر آنکه از نفقه زن هم اضافی آمده باشد. (حضرت امام)

۲.۲. مواضعه

مقدار نزدیکی در عقد دائم:^۶

^۱ - استفتاءات (امام خمینی)، ج ۳، ص: ۲۰۰؛ سید علی سیستانی منهاج الصالحین، ج ۳، ص: ۴۱۵؛ سید روح الله خمینی استفتاءات، ج ۳، ص: ۲۰۰ و ۱۴۰

ناصر مکارم شیرازی استفتاءات جدید، ج ۱، ص: ۲۳۹؛ سید علی خامنه ای شماره استفتاء: ۴۵۰۹۹۱

^۲ سایت ادمین، شماره استفتاء ۹۰۲۳۶۶ :

^۳ منهاج الصالحین، آیت الله سیستانی، جلد ۳، مساله ۴۱۵

^۴ <https://makarem.ir/main.aspx?typeinfo=۲۱&lid=.&catid=.&mid=۲۶۳۸۱۹>

^۵ - سید روح الله خمینی تحریر الوسیله، ج ۲، ص: ۳۱۵؛ فصل فی النفقات م ۲۰

^۶ رساله مراجع، جلد ۲، مساله ۲۴۱۸- سید محمد کاظم طباطبایی یزدی، العروة الوثقی ج ۲ کتاب النکاح فصل فیما یتعلق باحکام الدخول علی الزوجهم ۸

شوهر نمی تواند بیش از چهار ماه، نزدیکی با عیال دائمی خود را ترک کند اگر زن به هر جهتی نمی تواند ۴ ماه صبر کند و خوف وقوع در حرام برایش وجود دارد، به احتیاط واجب بر مرد لازم است نیاز او را قبل از ۴ ماه تامین کند یا طلاقش دهد تا راه ازدواج برایش باز شود. (حضرت امام)

شوهر نمی تواند بیش از چهار ماه، نزدیکی با عیال دائمی خود را ترک کند بلکه اگر زن جوان باشد و در این مدت بیم آن می رود که به گناه بیفتد احتیاط واجب آن است که طوری رفتار کند که او به گناه نیفتد. (آیت الله مکارم)

شوهر نمی تواند بیش از چهار ماه با زن جوان خود نزدیکی را ترک کند، مگر آن که نزدیکی برای او ضرر یا مشقت زیاد داشته باشد، یا آن که زن خود راضی به ترک آن باشد، و یا آن که در ضمن عقد ازدواج ترک آن را بر زن شرط کرده باشد، و در این حکم، بنابر احتیاط واجب فرقی نیست میان این که شوهر، حاضر باشد یا مسافر، پس بنابر احتیاط واجب جایز نیست سفر غیر لازم را بدون عذر و بدون رضایت همسر بیش از چهار ماه ادامه دهد. (آیت الله سیستانی)

۳.۲. حق عدم متارکه و حق قسم (همخواهی)

مرد نمی تواند زن دائمی خود را به طوری ترک کند که نه مثل زن شوهر دار باشد، نه مثل زن بی شوهر، لکن واجب نیست هر چهار شب یک شب نزد او بماند. (حضرت امام)^۱

مرد نمی تواند زن دائمی خود را به طوری ترک کند که نه مثل زن شوهر دار باشد، نه مثل زن بی شوهر، لکن واجب نیست هر چهار شب یک شب نزد او بماند ولی اگر همسرهای متعدّد دارد باید در میان آنها از این جهات با عدالت رفتار نماید که شرح آن در کتابهای مفصل فقهی آمده است. (آیت الله مکارم)^۲

مرد اگر دو زن داشته باشد و نزد یکی از آنها یک شب بماند واجب است نزد دیگری نیز یک شب در ضمن چهار شب بماند و در غیر این صورت ماندن نزد زن واجب نیست بلی لازم است او را به طور کلی متارکه ننماید و احتیاط مستحب این است که مرد در هر چهار شب یک شب نزد زن دائمی خود بماند. (آیت الله سیستانی)^۳

۴.۲. مهریه

از حقوق زن بر شوهر مهریه است که احکام آن در همین نوشته در مباحث قبل (بحث صیغه عقد) به تفصیل بیان شد.

۵.۲. حق حبس (امتناع از تمکین تا گرفتن مهریه)

آیا زن میتواند تا قبل از وصول مهریه تمکین نکند؟^۱

^۱ رساله مراجع، جلد ۲، مساله ۲۴۱۷

^۲ رساله مراجع، جلد ۲، مساله ۲۴۱۷

^۳ رساله مراجع، جلد ۲، مساله ۲۴۱۷

اگر موقع خواندن عقد دائم برای دادن مهر مدّتی معین نکرده باشند، زن می‌تواند پیش از گرفتن مهر از نزدیکی کردن شوهر جلوگیری کند، چه شوهر توانایی دادن مهر را داشته باشد چه نداشته باشد. ولی اگر پیش از گرفتن مهر به نزدیکی راضی شود و شوهر با او نزدیکی کند، دیگر نمی‌تواند بدون عذر شرعی از نزدیکی شوهر جلوگیری نماید. (حضرت امام، آیه الله سیستانی)

چنانچه در هنگام عقد برای پرداخت مهریه وقت معین نشده است زوجه قبل از نزدیکی تا تمام آن را نگرفته می‌تواند از حق حبس استفاده نماید و از تمکین خاص امتناع نماید ولی عدم تمکین از سائر استمتاعات حرام است. (امام خامنه ای)

در صورتی که مدّتی برای دادن مهر در عقد تعیین نشده باشد زن حقّ دارد مهر خود را فوراً مطالبه کند، بلکه می‌تواند پیش از گرفتن مهر از نزدیکی کردن شوهر جلوگیری کند، چه شوهر توانایی بر دادن مهر را داشته باشد یا نه، مگر در چند صورت که باید زن تمکین کند: ۱- این که عدم توانایی او قرینه بر این باشد که مهر از اوّل بر ذمه بوده نه به صورت نقدی. ۲- اگر برای دادگاه ثابت شود که شوهر توان پرداختن نقدی مهریه را ندارد آن را مطابق توان مالی زوج تقسیط می‌کند و زوجه با دریافت اوّلین قسط باید تمکین کند و گرنه ناشزه است و حقّ نفقه ندارد. ۳- یا اینکه یک مرتبه یا بیشتر با رضایت تمکین کرده باشد. (آیت الله مکارم)

نکته: آیا حقّ امتناع زوجه از تمکین مختص به دخول است یا شامل سایر استمتاعات و یا اطاعت از زوج در امور لازم (از قبیل اقامت در منزل شوهر یا مسافرت با رضایت وی) نیز می‌گردد؟^۲

ظاهر این است که زن می‌تواند بدون گرفتن مهر معجل خود را مطلقاً تسلیم شوهر نکند و در این مدّت بر زوج واجب است نفقه او را بدهد. (آیه الله مکارم)

۳. نشوز مرد و زن و احکام مرتبط با آن

۳.۱. مرد ناشز

مرد ناشز به چه کسی گفته می‌شود؟^۳

همان طوری که نشوز از طرف زوجه می‌باشد همچنین از طرف شوهر هم هست، به اینکه بر زن تعدّی کند و به حقوق واجب او قیام نکند. (حضرت امام)

^۱ - سید محمد حسن بنی هاشمی خمینی توضیح المسائل، ج ۲، ص: ۴۸۱ م ۲۴۲۰؛ رهبری، ادمین، شماره استفتاء: ۸۶۳۴۷۹ تاریخ استفتاء: ۱۳۹۷/۰۲/۱۰؛ منهاج، ج ۳، م ۳۰۶ و ۳۰۷

<https://makarem.ir/main.aspx?typeinfo=۲۱&lid=۰&catid=۱۸۴&mid=۲۶۳۸۷۹>

<https://makarem.ir/main.aspx?typeinfo=۲۱&lid=۰&catid=۱۰۰۸&mid=۲۶۳۸۷۸>

^۲ - ناصر مکارم شیرازی استفتاءات جدید، ج ۱، ص: ۲۱۷ س ۷۴۱؛ سید علی خامنه ای: شماره استفتاء: ۴۷۸۵۲۲

^۳ - تحریر الوسیله، کتاب النکاح، نشوز، م ۲؛ سید علی سیستانی منهاج الصالحین، ج ۳، ص: ۱۰۶ م ۳۵۰؛ ناصر مکارم شیرازی کتاب النکاح (مکارم)، ج ۶، ص: ۱۱۳

محقق میشود به ترک حقوق واجبه زوجه مثل ترک نفقه و همخواهی یا رها کردن او کلاً یا اذیت و نزاع و اختلاف با او بدون مجوز شرعی. (آیه الله سیستانی)

«نشوز» به این معناست که یکی از زوج و زوجه به وظایف خود عمل نکند و زیر بار مسئولیت نرود. (آیه الله مکارم)

۳.۱.۱. اگر شوهر نفقه زن را ندهد تکلیف چیست؟

زنی که از شوهر اطاعت می کند اگر مطالبه خرجی کند و شوهر ندهد (می تواند جهت الزام شوهر بر پرداخت نفقه به حاکم شرع و اگر ممکن نباشد به عدول مؤمنین و اگر آن هم ممکن نباشد به فسّاق مؤمنین مراجعه نماید و چنانچه الزام شوهر بر دادن نفقه ممکن نباشد) می تواند در هر روز به اندازه خرجی آن روز بدون اجازه از مال او بردارد و اگر ممکن نیست چنانچه ناچار باشد که معاش خود را تهیه کند، در موقعی که مشغول تهیه معاش است اطاعت شوهر بر او واجب نیست. (حضرت امام)^۱

زنی که خرج او بر عهده شوهر است و شوهر خرج او را نمی دهد می تواند خرجی خود را بدون اجازه از مال او بردارد و اگر ممکن نیست چنانچه ناچار باشد که معاش خود را تهیه کند و نتواند به حاکم شرع شکایت برد و با کار کردن بخواهد مخارج خود را تهیه کند در موقعی که مشغول تهیه معاش است اطاعت شوهر بر او واجب نیست. (آیت الله سیستانی)^۲

هرگاه زن مطالبه خرجی کند و شوهر ندهد می تواند هر روز به اندازه خرجی آن روز بدون اجازه از مال او بردارد و احتیاط واجب آن است که این کار با اجازه حاکم شرع باشد و اگر مجبور شود که خودش معاش خود را تهیه کند در موقعی که مشغول کار است اطاعت شوهر بر او واجب نیست. (آیت الله مکارم)^۳

۳.۲. زن ناشزه

در چه صورتی زن ناشزه می شود؟

«نشوز» در زوجه، خروج او از اطاعت شوهر است در اموری که بر زن واجب می شود، از اینکه بدون عذر شرعی از نزدیکی کردن با شوهر جلوگیری نماید و چیزهایی را که تنفرآور است و مانع تمتع و لذت بردن از او می شود را از خود برطرف نکند بلکه ترک نظافت و آرایش خود با اینکه شوهر آنها را می خواهد از این قبیل است. و همچنین است خروج او از خانه او بدون اذنش و غیر اینها. و در اموری که اطاعت از او واجب نیست ترک آن موجب تحقق نشوز نمی باشد. (حضرت امام، آیت الله سیستانی)^۴

^۱ رساله مراجع، جلد ۲، مساله ۲۴۱۶

^۲ رساله مراجع، جلد ۲، مساله ۲۴۱۶

^۳ رساله مراجع، جلد ۲، مساله ۲۴۱۶

^۴ تحریر الوسیله، جلد ۲، کتاب النکاح، القول فی النشوز، منهاج الصالحین، آیت الله سیستانی، جلد ۳، مساله ۳۵۰

۱.۲.۳. حکم حقوق ناشزه (نفقه، همخوابی، مهر و...) ^۱

اگر زن به وظایف شرعی خود در برابر شوهر عمل نکند (یعنی ناشزه شود) گناه کار است و حق غذا و لباس و منزل و همخوابی ندارد ولی مهر او از بین نمی‌رود. (حضرت امام)

اگر زن به وظائف زناشویی خود در برابر شوهر هیچ عمل نکند، حق غذا و لباس و منزل بر او ندارد، هر چند نزد او بماند و اگر گاهی از تسلیم در برابر خواسته‌های جنسی مشروع او سرباز زند بنا بر احتیاط واجب نفقه‌اش ساقط نمی‌شود، و اما مهر او با عدم تمکین، به هیچ وجه ساقط نمی‌شود. (آیت الله سیستانی) ^۲.

قدر مسلم از نشوز و عدم تمکین که موجب سلب حق نفقه می‌شود عدم تمکین در برابر تمتعات جنسی است بنابراین نفقه در خروج از منزل، بنا بر احتیاط واجب ساقط نمی‌شود همچنین مهر با عدم تمکین، ساقط نمی‌شود. (آیت الله مکارم) ^۳
نکته: احکام مهریه در عقد موقت فرق میکند که خواهد آمد.

فصل پنجم: ازدواج موقت و شرایط آن

۱. شرایط زوجین و اذن ولی در عقد موقت

به بحث اذن ولی و اولیای عقد در بحث ازدواج دائم رجوع شود و حکم همان است.
از جهت شرایط زوجین نیز باید تمامی مطالبی که در بحث ازدواج‌های حرام مطرح می‌شود رعایت شود.

۲. مدت و مهریه در عقد موقت

۱.۲. حکم عقد موقت بدون تعیین مدت یا مهریه

الف: مهریه تعیین نشود

در عقد موقت اگر مهریه تعیین نشود عقد باطل است. (حضرت امام، آیات عظام سیستانی و مکارم) ^۴

ب: مدت تعیین نشده ولی مهریه تعیین شده باشد

^۱ - سید محمد حسن بنی هاشمی خمینی توضیح المسائل (محشی - امام خمینی)، ج ۲، ص: ۴۷۷م ۲۴۱۳

^۲ منهاج الصالحین، آیت الله سیستانی، جلد ۳، مساله ۳۵۱

^۳ - ناصر مکارم شیرازی استفتاءات جدید، ج ۲، ص: ۳۳۲س ۹۶۳؛ رساله م ۲۰۶۲ و ۲۰۶۳ (نکته: در رساله م ۲۰۶۳ آمده است که با رعایت نشدن مطالب مساله قبل زن نفقه ندارد و در مساله ۲۰۶۲ تمکین در خروج از خانه به احتیاط واجب لازم است لذا ترک آن هم به احتیاط واجب مانع نفقه می‌شود و لذا رساله و استفتاءات تناقضی ندارند).

^۴ تحریر الوسیله، جلد ۲، کتاب النکاح، القول فی النکاح المنقطع، مساله ۵، رساله مراجع، جلد ۲، مساله ۲۴۲۱، منهاج الصالحین، آیت الله سیستانی، جلد ۳، مساله ۲۳۳

اگر در ازدواج موقت عمداً و یا نسیاناً، مقدار وقت تعیین نشده باشد، تبدیل به عقد دائم می شود. (حضرت امام، امام خامنه ای)^۱

اگر در ازدواج مقدار وقت تعیین نشده باشد، چه عمداً، چه سهواً و چه از روی غفلت و یا حیاء و مانند آن باشد، عقد و متعه باطل است. (آیت الله سیستانی)^۲

ازدواج موقت بدون تعیین مدت باطل است و تبدیل به عقد دائم نمی شود. (آیت الله مکارم)^۳

۲.۲. میزان مدت (حداقل-حد اکثر)

در عقد ازدواج اگر مدت ذکر شود- ولو این که طولانی باشد- عقد متعه حساب می شود. (حضرت امام، امام خامنه ای)^۴

مدت در عقد موقت میزان خاصی ندارد و با توافق طرفین مشخص می شود چه کوتاه باشد چه طولانی، البته نباید مدت آن از میزان احتمالی عمر یک از زوجین یا هر دوی آنها بیشتر باشد وگرنه عقد باطل است و همچنین بنابر احتیاط واجب نباید میزان آن از حدی که امکان بهره بردن نسبت به هردو آنها است، کمتر نباشد، لذا اگر پدر یا جد پدری، دختر یا پسر نابالغ خود را برای مدت کوتاهی به عقد کسی در آورد، اگر در مدت ازدواج پسر، به طور کلی قابلیت تلذذ نداشته باشد، یا دختر به طور کلی قابل تلذذ از او نباشد، بنابر احتیاط واجب عقد صحیح نیست. (آیه الله سیستانی)^۵

عقد کردن یک ساعته نابالغ برای محرمیت^۶

پدر و جد پدری می توانند برای محرم شدن، یک ساعت یا دو ساعت زنی را به عقد پسر نابالغ خود درآورند و نیز می توانند دختر نابالغ خود را برای محرم شدن به عقد کسی در آورند ولی باید آن عقد برای دختر مفسده نداشته باشد. (حضرت امام)

اگر برای محرم شدن- مثلاً- پدر یا جد پدری دختر یا پسر نابالغ خود را برای مدت کوتاهی به عقد کسی در آورد، در صورتی که بر آن مفسده ای بار نشود عقد صحیح است، ولی اگر در مدت ازدواج پسر به طور کلی قابلیت تلذذ نداشته باشد، یا

^۱ تحریر الوسیله، جلد ۲، کتاب النکاح، القول فی النکاح المنقطع، مساله ۹، سایت ادمین، شماره استفتاء ۵۳۸۱۷۱: تاریخ استفتاء: ۲۰/۰۲/۱۳۹۴ پاسخگو: اینترنت/علی سلیمی

ناظر: دهباشی

^۲ منهاج الصالحین، آیت الله سیستانی، جلد ۳، مساله ۲۴۳

^۳ رساله مراجع، جلد ۲، مساله ۲۴۲۱ و مکارم-استفتانات-ج ۴ سوال ۶۶۰

^۴ استفتانات امام خمینی (س) (موسوعه الإمام الخميني ۳۲ الى ۴۱)، ج ۹، ص: ۱۹۶ [سؤال ۱۰۴۹۳] ۵۹۱۳۲۵۷۳: رهبری-ادمین-شماره استفتاء: ۷۵۹۰۹۰ تاریخ استفتاء:

۳۰/۰۱/۱۳۹۶

^۵ مساله ۲۴۴: لا تقدير للأجل شرعاً بل هو إليهما يتراضيان على ما أرادا طال أو قصر، نعم لا يجوز جعله أزيد من محتمل عمر أحد الزوجين أو كليهما وإلا بطل العقد، كما يشكل جعله أقل من مدة تسع شيئاً من الاستمتاع بالنسبة إليهما، و من هنا يشكل صحة العقد على الصغير أو الصغيرة مع عدم قابلية المدة المعينة للاستمتاع فيها من الصغيرة أو

لاستمتاع الصغير فيها بوجه، منهاج-ج ۳ مساله ۲۴۴

^۶ رساله مراجع، جلد ۲، مساله ۲۴۲۹

دختر به طور کلی قابل تلذذ او نباشد صحت عقد محل اشکال است [یعنی احتیاط واجب این است که مدت عقد به اندازه ای باشد که پسر به حد بهره گیری جنسی برسد]. (آیت الله سیستانی)

نکته: با توجه به اشکالی که آیه الله مکارم در زمینه عقد صغیره دارند لازم مقلدین ایشان در صورت وجود مصلحت از نمایندگان ایشان کسب اجازه موردی کنند.

۳.۲. عقد ۹۹ ساله

چنانچه در ازدواج موقت، مدت ازدواج طولانی مثلاً ۹۹ ساله باشد آیا این ازدواج صحیح است؟ در صورت صحت آیا موقت یا دائم محسوب می شود؟

اشکالی ندارد و عقد موقت محسوب می شود. (حضرت امام، امام خامنه ای)^۱

نباید مدت عقد موقت از میزان احتمالی عمر یک از زوجین یا هر دوی آنها بیشتر باشد وگرنه عقد باطل است. (آیت الله سیستانی)^۲

عقدهای موقت طولانی مدت، که تمام عمر یکی از دو طرف را شامل می شود، در حکم عقد دائم است و تا مراسم طلاق انجام نشود همچنان زن و شوهر هستند. (آیت الله مکارم)^۳

۴.۲. مبهم یا مجهول بودن مدت (نحوه تعیین مدت)

ذکر مدت در ازدواج موقت باید با زمان معین باشد به طوری که از زیاد و کم محفوظ بماند. و اگر آن را به یک مرتبه [رابطه زناشویی] یا دو مرتبه تقدیر کند بدون آنکه با زمان مشخص شود، متعه بودنش باطل و بنا بر احتیاط واجب عقد دائم منعقد می شود، که بنابر احتیاط واجب جدایی باید طلاق جاری شود و جهت ادامه زندگی باید ابتدا طلاق و سپس عقد اجرای شود و بهتر آن است که مدت را هبه نماید [و بعداً یا مجدد عقد بخواند یا طلاق دهد]. (حضرت امام)^۴

ذکر مدت در ازدواج موقت باید با زمان معین باشد به طوری که از زیاد و کم محفوظ بماند. و اگر آن را به یک مرتبه [رابطه زناشویی] یا دو مرتبه تقدیر کند بدون آنکه با زمان مشخص شود، یا اینکه زمان به نحو مجهول تعیین شود مثل: یک ماه از سال یا یک روز از سال، یا اینکه زمان به نحو مردد بین مدت کم و مدت زیاد تعیین شود مثل: یک ماه یا دو

^۱ تحریر الوسیله، جلد ۲، کتاب النکاح، القول فی النکاح المنقطع، مساله ۹، سایت ادمین، شماره استفتاء ۹۱۲۹۱۰: تاریخ استفتاء: ۱۳۹۷/۰۷/۱۰ پاسخگو: ایزدی محمد ناظر :

اینترنت/واحدنژاد

^۲ منهاج الصالحین، آیت الله سیستانی، جلد ۳، مساله ۲۴۴

^۳ مکارم - استفتائات ج ۴ سؤال ۶۶۱

<https://makarem.ir/main.aspx?typeinfo=۲۱&lid=.&catid=.&mid=۲۵۶۵۶>

^۴ تحریر الوسیله، کتاب النکاح، متعه، ۹م

ماه-یا رسیدن حاجیان، یا رسیدن میوه ها در این حالت ها عقد باطل است، البته تعیین زمان به نحوی که در واقع مشخص باشد و تشخیص آن نیاز به بررسی داشته باشد اشکالی ندارد. (آیه الله سیستانی)^۱

۵.۲. مهریه در عقد موقت (نوعش، مجهول نبودن، مالی داشتن)

ذکر مهر در ازدواج موقت شرط است، پس اگر اخلاص به آن نماید باطل است و معتبر است که مالیت داشته باشد، چه عین خارجی باشد یا کلی در ذمه یا منفعت یا عملی باشد که برای عوض قرار گرفتن صلاحیت داشته باشد یا حقی از حقوق مالی باشد مثل تحجیر و مانند آن معتبر است که مهریه با کیل یا وزن در مکیل و موزون، و شمردن در معدود یا مشاهده یا وصفی که رافع جهالت باشد، معلوم باشد و با رضایت هم تقدیر می شود کم باشد یا زیاد. (حضرت امام)^۲

ذکر مهر در ازدواج موقت شرط است، پس اگر عقد کند بدون ذکر مهر عقد باطل است چه عمدی باشد چه از روی جهل و فراموشی و غفلت، همچنین اگر مهریه برای مسلمان مالیت نداشته باشد مثل شراب و خوک یا از مال غیر باشد و او بعد از عقد آن را اجازه نده عقد باطل است. معتبر است که مالیت داشته باشد، مهریه می تواند عین خارجی باشد یا کلی در ذمه یا منفعت یا عملی باشد که برای عوض قرار گرفتن صلاحیت داشته باشد یا حقی از حقوق مالی باشد مثل تحجیر و مانند آن، باید مهریه در عقد موقت معلوم باشد و عقد موقت با مهریه مجهول صحیح نیست و احتیاط واجب این است که مهریه به نحوی که در معاوضات شرط است معلوم باشد به این صورت که به کیل در اشیاء مکیل و به وزن در اشیاء موزون و به عدد در اشیاء معدود و با مشاهده در آنچه به این نحو معلوم می شود معلوم باشد. (آیه الله سیستانی)^۳

سوال: ۸ ماه پیش به مدت ۲۰ روز به عقد موقت به اقا در اومدم مهریه رو به هدیه از طرف اون آقا تعیین کردیم ضمن اینکه به ایشون گفتم به هدیه قیمتشم اصلاً مهم نیست آیا عقد صحیح بوده یا باطل و اگر باطل بوده حکمش چیه چون نزدیکی هم صورت گرفته؟؟^۴

در مورد مهریه اگر اختلاف قیمت انواع مختلف آن، قابل توجه باشد و مصداق متعارفی هم نداشته باشد، عقد موقت باطل است ولی اگر نوع آن برای طرفین معلوم باشد، و یا ارزش آن را مشخص کرده باشید و یا متعارفی وجود داشته باشد، اشکال ندارد. (آیت الله خامنه ای)

با توجه به اینکه یکی از ارکان عقد موقت تعیین مهر می باشد آیا این مهر حتماً باید نقدی باشد یا می تواند غیر نقدی باشد؟ مانند یک شاخه گل یا یک شاخه نبات قرار داد؟^۵

۱. منهاج الصالحین (للسیستانی)، ج ۳، ص: ۲۴۵م

۲. تحریر الوسیله، کتاب النکاح، المتعه، م ۵

۳. منهاج-ج ۳-مسألة ۲۳۳ و ۲۳۴ و ۲۳۵

۴- سید علی خامنه ای شماره استفتاء: ۸۷۷۸۰۸

۵- ناصر مکارم شیرازی

می تواند غیر نقدی باشد ولی قیمت یک شاخه گل و نبات باید مشخص باشد که چه مقدار است. (امام خامنه ای و آیه الله مکارم)

حکم عقد موقتی که در آن نوع مهریه مشخص اما قیمت آن مشخص نشده چیست؟ مثال یک کتاب نفیس.^۱
اگر کتاب مشخصی منظور طرفین باشد و یا با تمام خصوصیات معلوم است و فقط قیمت آن را نمی دانند (مثلا فلان کتاب با چاپ فلان و خصوصیات فلان) عقد صحیح است و الا باعث مجهول بودن مهریه می شود و عقد موقت باطل است. (امام خامنه ای)

اگر زن و مردی مهریه را صلوات یا قرائت قرآن قرار دهند عقد چه حکمی دارد؟^۲
مهریه باید مالیت داشته باشد و در صورتی که عقد موقت باشد عقد باطل است. (امام خامنه ای)

۶.۲. مهریه عقد موقت با اتمام مدت بدون دخول یا بخشش مدت

الف: بخشش مدت قبل از دخول

اگر مرد زنی را صیغه موقت کند و قبل از نزدیکی مدت را ببخشد تکلیف مهریه چیست؟^۳
اگر مرد مدت صیغه را ببخشد، چنانچه با او نزدیکی کرده، باید تمام چیزی را که قرار گذاشته به او بدهد و اگر نزدیکی نکرده باید نصف آن را بدهد (حضرت امام، آیات عظام مکارم و سیستانی).^۴
باید تمام مهر را بدهد؛ خواه دخول شده باشد یا نه. (آیت الله مکارم)

ب: اتمام مدت بدون دخول با وجود تمکین زن

اگر عقد موقت واقع شود و با تمکین زن، به او دخول ننماید تا اینکه مدت آن مقتضی شود تمام مهر بر آن استقرار پیدا می کند. (حضرت امام)^۵
در عقد موقت اگر مدت بخودی خود تمام شود رابطه زوجیت از بین می رود و مرد باید تمام مهریه زن را به او بدهد، خواه دخول شده باشد یا نه. (آیه الله مکارم)^۶
اگر زوج محبوس شود یا به مسافرت رود یا مریض شود و یا بمیرد یا اختیارا زن را ترک کند و مدت بگذرد و یا تمام شود در این موارد چیزی از مهر کم نمی شود اگر چه قبل از دخول باشد، همچنین بنابر احتیاط واجب اگر زن در اثناء مدت بمیرد چیزی از مهر کم نمی شود. (آیه الله سیستانی)^۷

۱- سید علی خامنه ای شماره استفتاء: ۸۴۲۲۲

۲- سید علی خامنه ای شماره استفتاء: ۸۵۸۷۳۹

۳- سید محمد حسن بنی هاشمی خمینی توضیح المسائل، ج ۲، ص: ۴۸۴م ۲۴۳۱

۴- تحریر الوسیله، کتاب النکاح، المتعه، م ۷

۵- <https://makarem.ir/main.aspx?typeinfo=۲۱&lid=۰&catid=۵۲۹&mid=۲۶۳۱۲۵>

۶- منهاج الصالحین (للسیستانی)، ج ۳، ص: ۷۷مسأله ۲۴۰

۷.۲. مهریه با عدم تمکین زن در نکاح موقت

در صورت عدم تمکین زن در نکاح موقت آیا مهریه ساقط می‌گردد؟

اگر زن در عقد موقت تمکین نکند مرد می‌تواند مهر او را به همان نسبت کم کند، مثلاً اگر نصف مدت را تمکین نکرده می‌تواند نصف مهر را ندهد و به همین نحو، بغیر از ایام حیض، پس برای ایام حیض چیزی از مهر کم نمی‌شود و در سایر عذرهای مانند بیماری سخت و مانند آن به احتیاط واجب مصالحه کنند. (حضرت امام)

زن با عقد موقت مالک تمامی مهر می‌شود ولی مستقر شدن تمام مهر مشروط است به اینکه زن نسبت به تمکینی که برای او به مقتضای عقد واجب شده اخلاص نرزد، و اگر نسبت به این تمکین اخلاص ورزد مرد می‌تواند به همان نسبت از مهر او کم کند، ولی در ایام حیض زن و مانند آن که تمکین کردن برای زن به نحو دخول حرام است و یا زمانی که دخول برای مرد حرام است نه برای زن مثل زمان احرام مرد و همچنین زمانی که زن عذر متعارفی مانند بیماری مختصر یا سفر لازمی دارد در این موارد چیزی از مهریه کم نمی‌شود، مراد از اخلاص و عدم تمکین زن در اینجا در صورتی که شرط عدم دخول نشده باشد ممانعت از دخول در قبل به نحو متعارف با مقدمات و مقارنات آن است ولی عدم تمکین از سایر استمتاعات متعارفه باعث سقوط چیزی از مهر نمی‌شود، ولی اگر شرط عدم دخول شده باشد ملاک ممانعت از سایر استمتاعات است. (آیه الله سیستانی)^۱ تنها آن مقدار از زمان که زن تمکین کرده مهریه اش لازم است. (آیه الله مکارم)^۲

اگر در مدت عقد موقت زن به مسافرتی برود مثل حج یا تفریح، مستحق مهریه این مدت می‌باشد؟ پاسخ: اگر هنگام عقد مطلب را به اطلاع زوج نرسانده باشد به همان مقدار کسر می‌شود. (آیه الله مکارم)^۳

۳. نحوه خواندن صیغه عقد موقت

طریق خواندن صیغه عقد موقت:

الف: خودشان بخوانند

بعد از آن که مدت و مهر را معین کردند، زن بگوید: زَوَّجْتُكَ نَفْسِي فِي الْمُدَّةِ الْمَعْلُومَةِ عَلَى الْمَهْرِ الْمَعْلُومِ --- بعد بدون فاصله مرد بگوید: قَبِلْتُ التَّزْوِيجَ فِي الْمُدَّةِ الْمَعْلُومَةِ عَلَى الْمَهْرِ الْمَعْلُومِ

ب: یک وکیل از طرف هر دو عقد را بخواند: (بر فرضی که مرد محمد و زن فاطمه باشند)

اول به وکالت از زن بگوید: زَوَّجْتُ مُوَكَّلَتِي فَاطِمَةَ مُوَكَّلِي مُحَمَّدًا فِي الْمُدَّةِ الْمَعْلُومَةِ عَلَى الْمَهْرِ الْمَعْلُومِ
پس بدون فاصله به وکالت از مرد بگوید: قَبِلْتُ التَّزْوِيجَ لِمُوَكَّلِي مُحَمَّدٍ فِي الْمُدَّةِ الْمَعْلُومَةِ عَلَى الْمَهْرِ الْمَعْلُومِ

ج: دو وکیل عقد را بخوانند:

^۱ . منهای ج ۳-مسألة ۲۳۷ و ۲۳۸

^۲ <https://makarem.ir/main.aspx?typeinfo=۲۱&lid=۰&catid=۵۲۹&mid=۲۶۳۱۳۳>

^۳ <https://makarem.ir/main.aspx?typeinfo=۲۱&lid=۰&catid=۵۲۹&mid=۲۶۳۱۴۱>

اول وکیل زن به وکیل مرد بگوید: زَوَّجْتُ مُوَكَّلَتِي فَاطِمَةَ مُوَكَّلَكَ مُحَمَّدًا فِي الْمُدَّةِ الْمَعْلُومَةِ عَلَى الْمَهْرِ الْمَعْلُومِ
پس بدون فاصله وکیل مرد بگوید: قَبِلْتُ التَّزْوِيجَ لِمُوَكَّلِي مُحَمَّدٍ فِي الْمُدَّةِ الْمَعْلُومَةِ عَلَى الْمَهْرِ الْمَعْلُومِ

۴. حقوق مرد و زن در عقد موقت

۴.۱. خروج زن از خانه بدون اذن شوهر در عقد موقت

زنی که صیغه شده، می تواند بدون اجازه شوهر از خانه بیرون برود، ولی اگر بواسطه بیرون رفتن، حق شوهر از بین می رود رفتن او حرام است (سیستانی: و بنا بر احتیاط مستحب در صورتی که حق شوهر از بین نرود، بدون اجازه او از خانه بیرون نرود). (حضرت امام، آیات عظام سیستانی و مکارم)^۱
نکته: در مواردی که برای محرمیت دو نامزد، عقد موقت خوانده می شود مطلقاً نیازی به اجازه شوهر ندارد هرچند خوب است از اختلاف پرهیز شود. (آیه الله مکارم)^۲

۴.۲. حق زن نسبت به مواقعه در عقد موقت

شوهر بیش از چهار ماه نباید نزدیکی با متعه خود را ترک کند. (حضرت امام)^۳
احتیاط واجب آن است که شوهر بیش از چهار ماه با متعه خود (سیستانی: اگر جوان باشد) نزدیکی را ترک نکند. (آیات عظام مکارم و سیستانی)

۴.۳. حق زن نسبت به نفقه در عقد موقت^۴

زنی که صیغه شده اگر چه آبستن شود حق خرجی ندارد. (حضرت امام و آیات عظام مکارم و سیستانی)
در عقد موقت، پرداخت نفقه بر عهده ی شوهر نیست مگر اینکه مرد در ضمن عقد لازم پذیرفته باشد که نفقه او را بپردازد در این صورت باید به شرط عمل کند. (امام خامنه ای)

مخارج جنین در عقد موقت

پرسش: آیا هزینه های ضروری زمان بارداری که برای سلامت جنین لازم است و هزینه های زایمان در عقد موقت بر مرد واجب است؟

^۱ رساله مراجع، جلد ۲، مساله ۲۴۲۷

^۲ <https://makarem.ir/main.aspx?typeinfo=۲۱&lid=۰&catid=۵۲۹&mid=۲۶۳۱۲۲>

^۳ رساله مراجع، جلد ۲، مساله ۲۴۲۲

^۴ رساله مراجع، جلد ۲، مساله ۲۴۲۴؛ سایت ادمین شماره استفتاء: ۹۴۷۲۶۶ تاریخ استفتاء: ۱۴/۱۱/۱۳۹۷

پاسخ : تمام هزینه هایی که بواسطه جنین بر مادر تحمیل شود بر عهده شوهر است.(آیه الله مکارم)^۱

۴.۴. حق حبس (ممانعت از تمکین تا گرفتن مهر) در عقد موقت

آیا در ازدواج موقت نیز برای زوجه حق حبس وجود دارد؟

حق حبس اختصاص به عقد دائم ندارد.(امام خامنه ای)^۲

زنی به عقد موقت مردی در آمده است، اگر مرد، مهریه زن را ندهد آیا زن می تواند تمکین نکند؟^۳

زن باید تا آخر مدت، تمکین کند و بر مرد واجب است در اولین فرصت، مهریه او را بپردازد.(آیت الله مکارم)

۴.۵. حق قسم (همخواهی) و ارث در عقد موقت

زنی که صیغه شده حق همخواهی ندارد و از شوهر ارث نمی برد و شوهر هم از او ارث نمی برد. (حضرت امام، آیات عظام

مکارم و سیستانی)^۴

۴.۶. شرط عدم نزدیکی در عقد موقت

زنی که صیغه می شود اگر در عقد شرط کند که شوهر با او نزدیکی نکند، عقد و شرط او صحیح است و شوهر فقط می

تواند لذت‌های دیگر از او ببرد، ولی اگر بعداً به نزدیکی راضی شود، شوهر می تواند با او نزدیکی نماید.(حضرت امام، آیات عظام

سیستانی و مکارم)^۵

^۱ <https://makarem.ir/main.aspx?typeinfo=۲۱&lid=۰&catid=۵۲۹&mid=۲۶۳۱۴۷>.

^۲ . شماره استفتاء: ۸۹۸۹۶۵ تاریخ استفتاء: ۱۷/۰۵/۱۳۹۷

^۳ - ناصر مکارم شیرازی

^۴ <https://makarem.ir/main.aspx?typeinfo=۲۶۳۱۳۲&mid=۰&catid=۰&lid=۲۱>

^۵ رساله مراجع، جلد ۲، مساله ۲۴۲۵

^۵ رساله مراجع، جلد ۲، مساله ۲۴۲۳